



ناصرالدين انصاری قمی

پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
رتال جامع علوم انسانی

حضرت آیت الله العظمیٰ حاج سید ابوالقاسم خوئی
(رضوان الله علیہ)



تاریخ، مردان بزرگی را به خود دیده است. اگر کتاب پر برگ تاریخ را ورق زنیم، در هر صفحه آن به تصویر انسانهایی والا برمی خوریم که هر يك با کارکرد خویش در صحنه‌های مختلف علم و دانش، نامی از خود به یادگار نهاده‌اند، که با گردش روزگار از کتابها و خاطره‌ها محو نشده و غبار نسیان بر آن نخواهد نشست. اما همه‌شان يك گونه نبوده‌اند. برخی به اقتضای کارهای مهمی که کرده‌اند و یا یادگارهای عظیمی که از خویش باقی گذاشته‌اند همیشه نامشان با عظمت برده می‌شود که بزرگ مردان الهی این گونه‌اند. زندگانی این مردان نامور گیتی درخور نگرشی عمیق است. نگرشی که می‌تواند روشنی بخش راه پر پیچ و خم حیات عالمان و دانش دوستان و سر لوحه زندگی آیندگان باشد.

مدارین مقاله برآنیم تا به یاد یکی از فرزندان رشید اسلام و مفاخر مذهب جعفری، دانشمند سترگ و مصلح بزرگ، محقق خبیر و متکلم بصیر، و مجتهد بی نظیر، فقیه اصولی و مفسر رجالی، نادره دوران و فرزانه زمان، زعیم حوزه علمیه و مرجع عظیم شیعیان، پرورش دهنده اندیشمندان، حضرت آیت الله العظمی حاج سید ابوالقاسم موسوی خویی، قلم زنیم و به ترسیم گوشه‌هایی از زندگانی سراسر جوش و خروش این فقیه فرزانه پردازیم و اندکی از آگاهی و تعهد و احساس مسئولیت وی را بازگو نمائیم.

ولادت

مرحوم آیت الله العظمی خویی شب پانزدهم ماه رجب سال ۱۳۱۷ق^۱ در خانواده علم و دانش و تقوا در شهرستان خوی دیده به جهان گشود.^۲

پدر

والدش مرحوم آیت الله علامه حاج سید علی اکبر، فرزند سید هاشم موسوی خویی یکی از شخصیت‌های برجسته خوی بود و مردم به او به دیده اکرام و اعظام می‌نگریستند.

وی در ۲۸ صفر ۱۲۸۵ق در خوی به دنیا آمد. در سال ۱۳۰۷ق برای فراگیری دانش دینی به عتبات عالیات رفت و اساطین بزرگ سامراء و نجف از جمله علامه فاضل شربانی(م ۱۳۲۲ق) و علامه شیخ محمد حسن مامقانی(م ۱۳۲۳ق) از اساتید آن مرحوم بوده‌اند. او در سال ۱۳۱۵ق به شهر خویش بازگشت و ریاست دینی شهر را بر عهده گرفت و سال ۱۳۲۸ق - در اوج جریانات مشروطه - به علت عدم موافقت با مشروطه غیر مشروعه، به نجف مهاجرت کرد و در آنجا مورد اعتماد مرحوم آیت الله العظمی سید محمد کاظم یزدی(صاحب عروه) قرار گرفت و از اطرافیان ایشان به شمار آمده و توزیع پول نان حوزه نجف بر عهده‌اش نهاده شد.

۱ - در آثارالحجه، ج ۲، ص ۲۷، سال تولد معظم له ۱۳۱۲ق دانسته شده که اشتباه است.

۲ - معجم رجال الحدیث، ج ۲۲، ص ۱۷.

در سال ۱۳۴۶ق به ایران بازگشته و در مشهد سکونت گزید و در مسجد جامع گوهرشاد به اقامه جماعت پرداخت. او دو یا سه بار نیز منصب غبارروبی و تنظیف ضریح مبارک را بر عهده گرفته و سرانجام به سن هشتاد و شش سالگی در نجف - در سفر زیارت مرقد امیرالمؤمنین علیه السلام - در ۱۸ شعبان ۱۳۷۱ق بدرود حیات گفت و پس از تشییع باشکوه و نماز مرحوم علامه شیخ آقا بزرگ تهرانی بر پیکرش، در ایوان مقبره شیخ الشریعه اصفهانی به خاک سپرده شد. از آثارش تقریرات درس اصول استادش مرحوم شریبانی را می‌توان نام برد.^۲

تحصیلات

آیت الله فقید در دامان پاك پدر و مادرش دوران کودکی را پشت سر نهاد و پس از آموختن قرآن و خواندن و نوشتن، در ۱۳ سالگی (سال ۱۳۳۰ق) همراه برادر بزرگ خویش مرحوم سید عبدالله خویی^۱ و دیگر افراد خانواده رهسپار نجف شد. ایشان از کودکی و نوجوانی به هوش و ذکاوت، حافظه و استعداد در میان اقران خود معروف بوده و در اندک زمانی گوی سبقت را از همگنان ربود. استاد سید عبدالعزیز طباطبایی نقل کردند: «زمانی آیت الله فقید - در حالیکه پانزده، شانزده سال بیشتر نداشتند در صحن مقدس امیرالمؤمنین (ع) به حضور مرحوم آیت الله سید محمد کاظم یزدی (م ۱۳۳۷ق) رسید و از مسئله‌ای پرسش نمود. مرحوم سید جواب داد، اما آقای خوئی گفت: شما در عروه، خلاف این را می‌فرمایید! و این مسئله را این گونه مطرح نموده‌اید. مرحوم سید در بازگشت به خانه، به عروه رجوع کرده و حق را به جانب ایشان می‌بیند. روز بعد، پدر آقای خویی را - که جزو اصحاب و اطرافیان مرحوم سید بوده است - می‌بیند و به او می‌فرماید: قدر این بجهات را بدان، او آینده درخشانی خواهد داشت».

.....

۲ - رك: نقباء البشر، ج ۴، ص ۱۶۰۹ - ۱۶۱۰.

۴ - مرحوم حجت الاسلام و المسلمین آقای حاج سید عبدالله خویی یکی از مدرسین کربلا به شمار می‌رفت که در حدود بیست سال پیش به رحمت خدا پیوست.

پس از یادگیری مقدمات، نزد بزرگان و اساتید سطح از جمله پدر بزرگوارش، به تعلّم کتب درسی فقه و اصول پرداخت. و در ۲۱ سالگی به درس خارج روی آورد و در فقه و اصول از انبوه دانش این اساتید نام‌آور نجف، توشه‌ها برگرفت. آیات عظام:

- ۱- شیخ فتح الله شریعت اصفهانی (م ۱۳۳۹ق)^۵
- ۲- حاج شیخ مهدی مازندرانی (م ۱۳۴۲ق)
- ۳- میرزای نائینی (۱۲۷۳ - ۱۳۵۵ق)
- ۴- آقا ضیاء عراقی (۱۲۷۸ - ۱۳۶۱ق)
- ۵- شیخ محمد حسین غروی اصفهانی (۱۲۹۶ - ۱۳۶۱ق)^۶
- ۶- میرزا علی آقای شیرازی فرزند میرزای شیرازی (م ۱۳۵۵ق) و همزمان به فراگیری علوم مختلف پرداخت و مراتب علمی خویش را تکمیل نمود. اساتید وی در این علوم عبارتند از حضرات آیات:
- ۷- شیخ محمد جواد بلاغی نجفی (۱۲۸۲ - ۱۳۵۲ق)، علم کلام و تفسیر و فن مناظره^۷
- ۸- سید حسین باد کوبه‌ای (۱۲۹۳ - ۱۳۵۸ق)، حکمت و فلسفه.^۸
- ۹- آمیرزا علی آقا قاضی (۱۲۸۵ - ۱۳۶۶ق)^۹ و
- ۱۰- آقا شیخ مرتضی طالقانی و
- ۱۱- آقا سید عبدالغفار مازندرانی (م ۱۳۶۵ق)، اخلاق و سیر و سلوک
- ۱۲- آقا سید ابوالقاسم خوانساری (م ۱۳۸۰ق)، ریاضیات و حساب استدلالی و هندسه فضایی و مسطحه و جبر.

رتال جامع علوم انسانی

- ۵- آیت الله فقیه مدت کمی از درس ایشان بهره‌مند شده است.
- ۶- رك: معجم الرجال، ج ۲۲، ص ۱۸.
- ۷- البیان، ص ۶۸ (بانوشت).
- ۸- به اعتقاد مرحوم آیت الله خویی ایشان از تسلط خاصی بر تدریس کتب فلسفی بهره‌مند بود و حتی بهتر از محقق اصفهانی اسفار و دیگر کتابهای فلسفی را تدریس می‌کرده است.
- ۹- مجله حوزه، ش ۳۰، مصاحبه با استاد آیت الله حسینی همدانی. شایان ذکر است که در این مقاله از مصاحبه آیت الله همدانی بسیار استفاده شده است.

در این میان نقش مرحوم محقق نائینی و محقق اصفهانی برجسته‌تر و قابل توجه است. پرورش روح اجتهاد و تکوین شخصیت فقهی ایشان مرهون درس این دو بزرگوار بوده و بیشترین بهره‌ها را از جلسات درس آن دو برده است.

آیت‌الله خوئی خود در این زمینه چنین فرموده‌اند:

«...از درس فقه و اصول این دو بیشترین استفاده‌ها را نمودم و در محضر هر يك از ایشان دوره‌ای کامل از علم اصول و برخی از کتابهای فقه را تلمذ کردم و در آن هنگام، درس هر يك از ایشان را بر جمعی از حاضرین تقریر می‌کردم. مرحوم آیت الله نائینی (قده) آخرین استادی بود که همواره ملازم او بودم و لحظه‌ای از وی جدا نمی‌شدم.»^{۱۰}

مرجع عالیقدر در طول حیات استاد بزرگوارش مرحوم محقق نائینی بدون فوت وقت درس وی را غنیمت شمرده و آنی از افادات این رجل بزرگ علمی غافل نبود.

استاد آقای سید عبدالعزیز طباطبایی فرمودند:

مرحوم آقا در سفر اولشان به ایران (سال ۱۳۵۳ق) قرار بر آن نهاد تا مدتی را در تهران، میهمان مرحوم آیت الله حاج سید احمد نخجوانی بوده و ضمناً جلسه معارفه‌ای با ایشان با حضور علما و تجار برگزار شود. پس از گذشت چند روز، ناگهان مرحوم آیت الله خویی اعلام داشتند که من باید به نجف بازگردم و لذا روز پنجشنبه برایم بلیط برگشت تهیه نمایید.

مرحوم آقای نخجوانی هر چه اصرار کردند که بمانید تا این جلسه معارفه با توجه به این مقدمه چینی‌ها برگزار شود فایده نبخشید و آقا بر مراجعت پافشاری می‌کردند وقتی علت را جو یا شدند، فرمود:

«شنیده‌ام آقای نائینی روز شنبه درس را آغاز می‌کند و من باید صبح بر سر درس حاضر باشم» و به خاطر همین از آن جلسه مهم صرف نظر می‌نماید و به خاطر از دست ندادن چند جلسه درس مرحوم میرزای نائینی به نجف باز می‌گردد.

.....
۱۰ - معجم رجال الحدیث، ج ۲۲، ص ۱۸.

مشایخ روایت

مرجع فقید از جمعی از بزرگان، اجازه نقل حدیث دریافت داشته و توسط آنان کتابهای دانشمندان شیعه و سنی را روایت می‌کند یکی از این طرق، اجازه مرحوم میرزای نائینی است، خود ایشان می‌نویسد:

...یکی از مشایخ اجازه من، مرحوم نائینی بوده که وسیله ایشان از استادش مرحوم محدث نوری به طرقتی که در مواقع النجوم (خاتمه کتاب مستدرک الوسائل) مسطور است کتابهای امامیه از: کافی، فقیه و تهذیب و استبصار و نیز وسائل و بحار و وافق و دیگر کتابها را روایت می‌نمایم...^{۱۱}

دیگر از اجازات ایشان، اجازه روایی علامه سترگ آیت الله سید عبدالحسین شرف الدین عاملی صاحب المراجعات (م ۱۳۷۷ق) بوده که وسیله ایشان کتابها و تألیفات دانشمندان اهل سنت را روایت می‌نماید.

هم بحثهای ایشان

مرحوم آیت الله العظمی خویی هنگام تحصیل ظاهراً دروس فقه و اصول را با این بزرگان مباحثه می‌کردند:

مرحوم آیت الله العظمی میلانی (م ۱۳۹۵ق)، مرحوم آیت الله علامه سیدمحمد حسین طباطبائی (م ۱۴۰۲ق)، مرحوم آیت الله آقا سید صدرالدین جزائری، مرحوم آیت الله حاج شیخ علی محمد بروجردی (م ۱۳۹۵ق)، مرحوم آیت الله حاج آقا حسین خادمی اصفهانی (م ۱۴۰۵ق) و آیت الله سید محمد حسینی همدانی.

خاطره‌ای از دوران تحصیل

آیت الله حسینی همدانی می‌فرماید:

...هنگامی که آیت الله خوئی در نجف مشغول تحصیل بودند، برادر خانم ایشان مرحوم میرزا آقا - که مرد بسیار محترمی بود - سالی دو مرتبه، هر دفعه مبلغ ششصد روپیه، برای ایشان حواله می‌فرستاد. با این مبلغ اصول اولیه زندگی

ایشان رو براه می‌شد. يك روز من در نجف به ایشان برخوردم به من فرمودند: مدت زیادی بود که دست تنگ بودیم و خیلی در فشار و ناراحتی به سر می‌بردیم امروز من برای شستشو لباسم را تعویض کردم، خانواده در جیب لباس من نامه‌ای را از برادرش می‌بیند. نامه را به من نشان داد. یاد آمد که حدود بیست و هشت روز قبل، این نامه رسیده و در آن حواله ششصد روپیه است. این مدت با وجود این حواله و آن همه فشار و ناراحتی اقتصادی، من چنان سرگرم درس و بحث بودم که بکلی، موضوع نامه را فراموش کرده بودم.

و هم ایشان در باره تلاش و کوشش آیت الله فقید در تحصیل، می‌فرمایند:
...مقداری از آفتاب گذشت... بعد رفتم منزل آیت الله خویی، يك بیرونی کوچکی داشتند، تا من در را باز کردم ایشان از خواب برخاستند. عرض کردم: آقا این چه وقت خوابیدن است؟ يك ربع از آفتاب می‌گذرد. ایشان فرمودند: من يك هفته بود به جهت کثرت درس و بحث نتوانسته بودم درس آیت الله نائینی را بنویسم، دیدم امشب هم که می‌خواهیم مسجد کوفه بمانیم، به این خاطر دیشب، از ابتدای شب، شروع به نوشتن کردم تا اذان صبح، بعد نماز خواندم، این بود که بعد از نماز مقداری استراحت کردم.

آری در طریق آموختن، بعد از توکل بر ایزد منان و رعایت تقوا، مشکلات را هیچ انگاشتن شرط اول است. بدون تحمل رنج راه و بیدار خوابیها نمی‌توان به مقصد رسید.

تدریس

مرحوم آیت الله خویی از کودکی و نوجوانی خویش به هوش و استعداد، موصوف و به فضل و حافظه، معروف بوده است. وی در خلال تحصیل، به تدریس نیز پرداخته و هر کتابی را که درس می‌گرفته، کتاب پیش از آن را تدریس می‌کرده است. معظم له خود در این باره فرموده است:

«زمانی که دومین جلد شرح لمعه را فرا می‌گرفتم، خود به تدریس و تعلیم اولین جلد این کتاب پرداختم.»

و از این گفتار روشن می‌شود که ایشان از اوان تحصیل یعنی بیش از هفتاد سال به تدریس علوم آل محمد (ص) و تربیت طلاب و تشنگان دانش ائمه اطهار علیهم‌السلام - سطح و خارج - پرداخته و برای تدریس و تعلیم اهمیت زیادی قائل می‌شده است.

آیت الله حسینی همدانی می‌فرماید:

«در سنه ۱۳۴۸ یا ۱۳۴۹ ق، مرحوم آیت الله آقا شیخ محمد حسین غروی (کمپانی) درس فقه می‌فرمودند، بحث مکاسب بود. در این درس که بعد از ظهرها تشکیل می‌شد، فضلی چندی شرکت می‌کردند. من به آیت الله خویی عرض کردم: شما چرا با این که نسبت به آیت الله کمپانی، اظهار علاقه علمی دارید در این درس شرکت نمی‌کنید؟ ایشان فرمودند: من به تجربه دریافته‌ام که انسان باید آنچه را که آموخت درس بگوید، در درس گفتن يك نبوغ برای انسان حاصل می‌شود که این خیلی مفید است. در ضمن من می‌دانم که آیت الله کمپانی هیچ چیز را نمی‌اندیشد مگر اینکه یادداشت می‌کند. من بعد از ظهرها درس می‌گویم و بعد نوشته‌های ایشان را می‌گیرم و از آنها استفاده می‌کنم؛ چون نمی‌توانم هم در درس ایشان شرکت کنم و هم درس بگویم و فعلاً درس گفتن برای من لازم و مفید است. اتفاقاً این گونه هم شد و ایشان درست می‌فرمود.»

در سال ۱۳۵۲ ق بود که بسیاری از بزرگان حوزه علمی نجف همچون حضرات آیات: نائینی، کمپانی، عراقی، بلاغی، میرزا علی آقا شیرازی و آقا سید ابوالحسن اصفهانی به ایشان اجازه اجتهاد اعطا کرده و بر مراتب عالی علمی شان تأکید کرده و شهادت دادند.^{۱۲}

گفتنی است که: مرحوم آیت‌الله خویی به اندازه‌ای مورد احترام و علاقه آیت الله العظمی اصفهانی بود که سالها پیش از آنکه ایشان شهریه حوزه علمیه نجف را بپردازد به آقای خوئی به طور خصوصی شهریه پرداخت می‌کرد. حتی در مواردی ایشان را برای شور و مشورت به حضور می‌طلبیدند و این می‌رساند که: پیش از آنکه ایشان

۱۲ - مقدمه دلیل المعجم، ص ۱۵.

به تدریس خارج روی آورد، به عنوان یکی از مدرسین نامدار حوزه شناخته شده بود.

در سال ۱۳۵۲ق بود که ایشان درس خارج فقه و اصول را شروع کرد.^{۱۳} پس از وفات مرحوم نائینی و کمپانی، درس ایشان و شاگرد دیگر نائینی مرحوم آیت الله میرزا محمد علی کاظمی خراسانی صاحب فوائد الاصول از درسهای عمده بود و پس از رحلت مرحوم کاظمی در ۱۳۶۵ق بود که محفل درس آیت الله خویی برترین و پرجمعیت‌ترین حوزه درسی نجف را تشکیل داده و قریب پنجاه سال، هزاران تشنه دانش اهل بیت را از آبشخور علوم خویش سیراب کرد و در عین حال دیگر وظایف زعامت و مرجعیت را به بهترین وجهی ایفا نمود.^{۱۴}

صاحب کتاب «آثار الحجة» که آن را در ۱۳۷۳ق نگاشته است می‌نویسد: «جناب حجت الاسلام والمسلمین آیت الله فی العالمین آقای حاج سید ابوالقاسم خویی اسطوانه علمی نجف و اول مدرس خارج و محقق و مدقق عصر حاضر و حوزه تدریسش در نجف است و از حیث کم و کیف، شهرت جهانی دارد.^{۱۵}

آیت الله فقید خود می‌نویسد:

...من بسیار تدریس کرده‌ام، و در فنون فقه و اصول و تفسیر جلسات بسیار را تشکیل داده و جمعی بیشمار از فرزندانگان و اندیشمندان را در حوزه علمی نجف پرورش داده‌ام.

جلسات تدریس خارج مکاسب شیخ انصاری و کتاب صلاة - دو مرتبه به صورت کامل - و کتابهای دیگر فقهی می‌باشد.

در ۲۷ ربیع الاول ۱۳۷۷ق به تدریس ابواب کتاب عروه الوثقی، از باب طهارت پرداخته^{۱۶} و در ۲۶ ربیع الاول ۱۴۰۰ق - بعد از ۲۳ سال - به کتاب اجاره رسیده و اکنون (ماه صفر ۱۴۰۱ق) در صدد اتمام این کتاب هستم. محاضرات خود

۱۳ - یکی از شاگردان آن دوره حضرت آیت الله آقای حاج شیخ محمد تقی بهجت می‌باشند.

۱۴ - گفتار استاد سید عبد العزیز طباطبائی.

۱۵ - آثار الحجة، ج ۲، ص ۲۹۴ - ۲۹۵.

۱۶ - ایشان بیشتر باب «اجتهاد و تقلید» را مطرح کرده و تقریرات آنها به چاپ رسیده بود.

در فنّ اصول را - از آغاز تا پایان - شش بار بر صدها نفر از دانشوران القاء کرده و دوره هفتم آن را به سبب سنگینی وظایف و مسئولیتهای مرجعیت در مبحث ضد رها ساخته و به پایان نرسانیدم.

در سالهای گذشته به تدریس علم تفسیر پرداخته و پس از زمانی چند بر خلاف خواسته قلبی، از آن هم دست برداشته و ادامه اش ندادم و چقدر دوست می‌داشتم این درس ادامه یافته و انتشار یابد.

خداوند را سپاس می‌گذارم که در خلال این سالیان طولانی لحظه‌ای از تدریس باز نایستاده و به جز روزهای بیماری و سفر، همواره به تعلیم فضلاء اشتغال داشته‌ام.

در سال ۱۳۵۳ هـ به حج مشرف شده و در ۱۳۵۰ و ۱۳۶۸ ق به زیارت مرقد پاك حضرت ثامن الحجج علیه السلام مشرف شده‌ام...^{۱۷}

سفر ایشان به قم

«در اوائل ماه رجب ۱۳۶۸ ق بود که علامه اصولی و محقق رجالی حضرت حجت الاسلام و المسلمین آیت الله خویی از نجف اشرف به قصد زیارت حضرت ثامن الحجج علیه الصلوة و السلام و معالجه مزاج و کسالت قلب و سینه خود عزیمت ایران نموده و از راه همدان راهی قم شدند، و چون خیر ورود ایشان به قم رسید حوزه علمیه عموماً و فضلاء و دانشمندان که صیت تحقیق و تقریر ایشان را شنیده و تشنه جام وصال معظم له بودند برای استقبال و تجلیل از آن شخصیت علمی مجهز شده... و جماعتی بسیار از اهل علم همراه مردم تاهشت فرسخی استقبال نموده و با احترامات لایقه وارد و پس از زیارت به منزل جناب آقای حاج آقا سید محمود روحانی نزول اجلال و تا چندین روز عموم طبقات و به خصوص فضلاء به زیارتش شتافته و از بیانات و تحقیقاتش بهره‌مند می‌شدند تا اینکه عازم حرکت به تهران شده و... بسیاری از مردم تهران و حضرت عبدالعظیم تا شش فرسخ استقبالش نموده و با احترام به تهرانش وارد... و مورد تجلیل دولت و ملت واقع گردیده و پس

.....

۱۷ - معجم رجال الحدیث، ج ۲۲، ص ۱۸ - ۱۹.

از مدتی توقف به مشهد مقدس مشرف و بعد از زیارت مراجعت نمودند...»^{۱۸}
آیت الله فقید همواره اوقاتش را چه در سفر و چه در حضر به افاده و استفاده
سپری می‌ساخت در سفرهای خویش که از تدریس و تعلیم باز می‌ماند، به بحث و
مناظره می‌پرداخت و با مخالفان و مؤالفان به گفتگوی علمی می‌پرداخت.
گوشه‌ای از این احتجاجات در تفسیر شریف البیان به یادگار مانده است.
ایشان در صفحه ۵۳۸ این کتاب گفتگویی با يك عالم یهودی را مطرح
ساخته، که در آن به اثبات جاودانگی قرآن به عنوان حجت و راهنمای الهی برای
بشریت تا ختم آفرینش و به پایان رسیدن شرایع آسمانی، به جز اسلام می‌پردازد.
نیز در صفحه ۵۶۰ یکی از بحثهای خویش را با يك دانشمند سنی، در باره سجده بر
خاک مطرح نموده که این گفتگو منجر به بحثهای طولانی دیگر - در ده شب بعد
- با حضور شخصیت‌های مذاهب گوناگون در مسجد النبی شده است.

چگونگی تدریس

مرجع عالیقدر در تدریس، شیوه خاصی را برگزیده بود که وی را از دیگران متمایز
می‌ساخت.

ایشان در تعلیم بسیار چیره دست بوده و با تسلطی شگفت انگیز به تدریس
می‌پرداختند. وی در هنگام درس شمرده، فصیح، منظم و مرتب سخن می‌گفت، از
پرداختن به حشو و زواید پرهیز نموده و فشرده و سنجیده تدریس می‌نمود به قول
آیت الله حسینی همدانی:
«من بعد از مرحوم آیت الله نائینی، کسی را ندیدم به منظمی و پاکیزگی آیت
الله خوینی درس بگوید، با يك عربی کاملاً فصیح، منظم و مرتب.»
در خلال درس اصول خویش به فلسفه نمی‌پرداخت، و در بحث فقه خود بر
احادیث و روایات تکیه زیادی کرده و به سند اخبار، اهمیت داده و بسیار در توثیق
و تضعیف رواة و رجال سند بحث می‌فرمود.

اسلوب ایشان در مناقشه و جدل، روش سقراط بود، بدین گونه که تهازل

.....
۱۸ - آثار الحجة، ج ۲، ص ۲۵ - ۲۶.

کرده و تظاهر به قبول گفتار طرف مقابل می‌کرد، سپس پرسشها و تشکیک‌هایی در قول خصم نموده و ظاهراً خود را در مقام استفاده و یادگیری جلوه می‌داد و خصم هم - بدون آنکه بفهمد - به پاسخ می‌پرداخت و به لوازم گفتار خویش اعتراف می‌کرد و در همین هنگام سید استاد، مستشکل را به تناقض گوئی واداشته و براعتراف به اشتباه و نادانی خود مجبورش می‌ساخت.^{۱۹}

درس ایشان فشرده‌ای از آراء و مبانی آقا ضیاء و نائینی و کمپانی و نظرات خود ایشان، همراه با بحث و استدلال بر ردّ و قبول مبانی دیگران با بیانی جذاب و سحر و تحلیلی عمیق بود^{۲۰} به حق در حقایق و مبانی اصولی - که در طول ادوار مختلف بر آنها اتفاق شده و خدشه ناپذیر می‌نمود - انقلاب و دگرگونی پدید آورد و در لابلای دروس ایشان نظریات جدید، ابتکار در مبانی، خروج از آراء پیشینیان و تعمق و تحقیق و دقت و ژرف‌نگری و پژوهش موج می‌زد.^{۲۱}

ایشان بر روی منبر تدریس می‌کرد، در طول مدت درس جابجا نمی‌شد، دستانش را بر استوانه‌های منبر می‌فشرده. از آنجا که شاگردان ایشان بسیار بوده و ایراد اشکال تضييع حقوق دیگران بود، در خلال درس اجازه اشکال به همگان نمی‌داد^{۲۲} و لیکن پس از ختم درس، قریب به یکساعت نشست و به پرسش شاگردان پاسخ می‌فرمود.

استاد سید عبدالعزیز طباطبائی به نقل از آیت الله حاج شیخ احمد انصاری^{۲۳} - فرج الله عنه - می‌فرمودند:
روزی پس از درس، اطراف آقا ازدحام بوده و آیت الله شهید سید محمد

.....
۱۹ - مقدمه البيان، ص ۱۵.

۲۰ - تا آنجا که گفته‌اند «انه یجسم المعقولات». او ذهنیات را در پیش چشم مجسم می‌سازد.

۲۱ - تمام دوره ششم درس اصول، و تدریس بسیاری از کتب فقه در نوار کاست ضبط شده و در کتابخانه ارزشمند مرجع فقیه در محله «کنده» شهر کوفه موجود است. رک: مقدمه دلیل المعجم، ص ۱۷.

۲۲ - نقل شده که معظم له در دو مورد به خطیب عارف مرحوم حسینعلی راشد و امام موسی صدر - رهبر مفقود شده شیعیان لبنان در لیبی - اجازه اشکال دادند و خود بعداً فرمودند که به خاطر احترام این دو نفر، اجازه دادم که سر درس اشکال خود را مطرح کنند.

۲۳ - عموی بزرگوار نویسنده، که ۱۳ سال است همراه با برخی از بزرگان حوزه نجف در اسارت رژیم بعثی عراق به سر می‌برند.

باقر صدر اشکالی را نوشته و به استاد دادند. شب هنگام استاد در جلسه هیئت استفتاء - که در آن کتاب وسیلة النجاة مورد بحث قرار گرفته و برآن حاشیه زده می شد و مرحوم صدر هم شرکت داشت - این اشکال را مطرح ساخته و به تفصیل به پاسخ آن پرداختند.

شاگردان

پیش از این گذشت که آیت الله العظمی خوئی در طول حیات پربار خویش حدود ۷۰ سال به تدریس سطح و خارج، اشتغال داشته و قریب ۵۰ سال هم نخستین و پربارترین محفل علمی حوزه نجف را دارا بود و هزاران نفر از علماء و فضلاء کشورهای مختلف اسلامی از هند و افغان و پاکستان و ایران گرفته تا عراق و حجاز و لبنان و کشورهای حاشیه خلیج فارس را در دامن خویش پرورش داده و به اقصی نقاط جهان فرستاده و توده های مسلمان را به سوی سعادت و هدایت رهنمون بوده است.

در این جا تنها به نام برخی از شاگردان معظم له اشاره نموده و از اینکه از همه آنان نام نمی بریم پوزش می طلبیم چه تلامذه آیت الله فقید در گوشه و کنار کشورهای اسلامی منتشر بوده و آوردن اسامی تمامی ایشان کاری بسیار مشکل بلکه محال می نماید.

حضرات آیات و حجج اسلام:

سید ابراهیم امین، ابوالحسن شیرازی، ابوالفضل نجفی خوانساری، سید ابوالقاسم کوکبی، ابوالقاسم گرجی، احمد انصاری قمی، احمد دشتی، احمد وائلی، احمد قبیسی عاملی، اسماعیل محقق بلخی، باقر ایروانی، باقر شریف قرشی، سید تقی طباطبایی قمی، جعفر آل محبوبه نجفی، سید جعفر مرعشی، سید جعفر مروجی جزایری، جعفر نائینی، سید جلال الدین فقیه ایمانی، آقا سید جمال الدین خوئی، میرزا جواد تبریزی، سید جواد شبر، حسن سعید تهرانی، حسن صافی اصفهانی، حسن مرتضوی شاهرودی، سید حسن مکی، حسین وحید خراسانی، سید رضا خلخالی، رضا لطفی، سلمان خاقانی، سید صادق خلخالی، سید صادق روحانی، سید عباس خاتم، عباس دشتی، عباس قوچانی، سید عباس

مدرسی، عبد الامیر قبلان، سید عبدالرسول شریعتمداری، سید عبدالزهراء حسینی
 خطیب، شهید سید عبدالصاحب حکیم، سید عبدالعزیز طباطبائی یزدی، سید
 عبدالغنی اردبیلی، سید عبدالکریم اردبیلی، سید عبدالکریم قزوینی، سید عبدالله
 غریفی، سید عزالدین بحر العلوم، سید علی بهشتی، سید علی سیستانی، سید علی
 شاهرودی، علی غروی تبریزی، علی فلسفی تنکابنی، علی اصغر احمدی
 شاهرودی، غلامرضا عرفانیان خراسانی، سید فاضل حسینی میلانی، کاظم
 تبریزی، سید مجتبی حسینی شیرازی، سید محمد بحر العلوم، سید محمد رجایی
 اصفهانی، سید محمد روحانی، سید محمد شاهرودی، محمد آصف محسنی
 قندهاری، شیخ محمد ابراهیم بروجردی، محمد ابراهیم جناتی، سید محمد ابراهیم
 شیرازی، محمد اسحاق فیاض، محمد امین زین الدین، محمد باقر ناصری، سید
 محمد تقی خوئی، محمد جعفر شمس الدین، محمد رضا جعفری، محمد رضا لیبی
 کرمانی، محمد صادق جعفری، سید محمد علی موحد ابطحی، سید محمد باقر
 خوانساری، شهید سید محمد باقر صدر، محمد باقر مصطفوی کاشانی، محمد تقی
 ایروانی، محمد تقی بهجت، محمد تقی جعفری تبریزی، محمد تقی جواهری، سید
 محمد تقی حکیم، شیخ محمد تقی مجلسی، محمد تقی هرندی، شیخ محمد جواد
 آل راضی، سید محمد حسین حکیم، شیخ محمد جواد مقنیه، سید محمد حسین
 فضل الله، محمد رضا فرج الله، سید محمد سرور بهسودی افغانی، سید محمد
 صادق صدر، شیخ محمد علی توحیدی، شهید سید محمد علی قاضی طباطبائی،
 محمد کاظم خوانساری، سید محمد کاظم مرعشی، شهید سید محمد مهدی حکیم،
 سید محمد مهدی خلخالی، محمد مهدی شمس الدین، سید محمد مهدی لنگرودی،
 سید محمد مهدی موسوی خراسان، محمود انصاری قمی، محمد فیاض، سید
 محمود میلانی، سید محی الدین غریفی، سید مرتضی حسینی فیروز آبادی، سید
 مرتضی حکمی، مرتضی نجفی بروجردی، سید مرتضی نجومی، مسلم ملکوتی
 سراپی، سید موسی شبیری زنجان، موسی شراره، سید موسی صدر، سید موسی
 مازندرانی، سید مهدی مرعشی، آقا نجفی شهرستانی، هادی آل راضی، هاشم
 معروف حسینی، سید یوسف حکیم.

تقریرات

شاگردان آیت الله العظمی خوئی در خلال تحصیل خود، همواره به ضبط بیانات استاد در فقه و اصول پرداخته و در مجلس درس وی به نگاشتن افادات ایشان اشتغال داشته‌اند. لذاست که شمارش تقریرات درس آیت الله فقید - بسان شمارش شاگردان ایشان - کاری دشوار و نیازمند وقت وسیعی است. در اینجا تنها به نام برخی از تقریرات چاپ شده آن استاد بزرگوار اکتفا می‌شود.

أ: فقه

- ۱- التنقیح فی شرح العروة الوثقی (مباحث اجتهاد و تقلید، طهارت، صلات) حاج میرزا علی غروی تبریزی، ۹ جلد تاکنون.
- ۲- تحریر العروة الوثقی، شیخ قربانعلی کابلی.
- ۳- معتمد العروة الوثقی، سید رضا خلخالی، ۲ جلد تاکنون.
- ۴- مستند العروة الوثقی (مباحث صلوة، خمس، صوم، اجاره)، شیخ مرتضی بروجردی، ۱۰ جلد تاکنون.
- ۵- مبانی العروة الوثقی (مباحث: مضاربه، مزارعه، شرکت، ضمان، حواله، نکاح، غصب)، سید محمد تقی خوئی، ۴ جلد.
- ۶- مدارك العروة الوثقی = فقه الشیعه (مبحث طهارت)، سید محمد مهدی خلخالی، ۵ جلد تاکنون.
- ۷- فقه العترة فی زكاة الفطرة، سید محمد تقی حسینی جلالی.
- ۸- محاضرات فی الفقه الجعفری (المکاسب المحرمه)، سید علی حسینی شاهرودی، ۳ جلد.
- ۹- الدرر القوالی فی فروع العلم الإجمالی، شیخ رضا لطفی.
- ۱۰- مصباح الفقاهة فی المعاملات (دوره مکاسب شیخ)، شیخ محمد علی توحیدی، ۷ جلد.
- ۱۱- نموزج فی الفقه الجعفری (صلاة المسافر)، سید عباس مدرسی یزدی.
- ۱۲- بلغة الطالب فی شرح المكاسب، دو جلد.

- ۱۳ - رساله فی تحقیق الکر،؟
 ۱۴ - رساله فی حکم أواني الذهب، سید مهدی حجازی شهرزانی.
 ۱۵ - المعتمد فی شرح المناسک، سید محمد رضا خلخالی، ۵ جلد.
 ۱۶ - مصباح الناسک فی شرح المناسک، سید تقی طباطبایی قمی.
 ۱۷ - مبانی منهاج الصالحین، سید تقی طباطبایی قمی، ۵ جلد. (دو کتاب اخیر شرح منهاج الصالحین و مناسک است.)

ب - اصول

- ۱۸ - مبانی الاستنباط، سید ابوالقاسم کوی، ۴ جلد.
 ۱۹ - المحاضرات (فی اصول الفقه)، محمد اسحق فیاض، ۵ جلد، این کتاب یک دوره کامل مباحث الفاظ بوده و مرجع عالیقدر از آن بسیار خوشش آمده بود.
 ۲۰ - دراسات فی الأصول العملية، سید علی حسینی شاهرودی.
 ۲۱ - مصباح الأصول، سید محمد سرور بهسودی، ۲ جلد.
 ۲۲ - مصابیح الأصول (مباحث قطع و ظن و شک، تعادل و تراجیح)، سید علاء الدین بحر العلوم.
 ۲۳ - جواهر الأصول، شیخ فخرالدین زنجانی.
 ۲۴ - الامر بین الامرین (در جبر و تفویض)، شیخ محمد تقی جعفری.
 ۲۵ - الرأی السدید فی الاجتهاد و التقليد، غلامرضا عرفانیان خراسانی.

تالیفات

آیت الله فقید از ابتدای زندگی علمی خویش در راستای نشر معارف اهل بیت علیهم السلام و گسترش دانش اسلام، دمی نیاسود.
 زمانی بر مسند تدریس نشست و به تربیت و پرورش صدها عالم و دانشمند فرزانه پرداخت و زمانی دیگر دست به قلم برد و به تصنیف و تألیف در تفسیر و کلام، فقه و اصول و رجال پرداخت. این همه با توجه به اشتغالات گوناگون ایشان از هنگام تدریس سطوح تا روزهای آخر زندگانی پربارش، و آن همه گرفتاریها و مسئولیتهای مختلف زعامت و مرجعیت، چشمگیر و قابل توجه است.

رهبر معظم انقلاب حضرت آیت الله خامنه‌ای در آغاز درس خارج فقه خویش (سال ۱۴۱۳ق) فرمودند:

«باید یادنیکی از عالم بزرگوار و مرجع عظیم الشانی که اخیراً رحلت کردند یعنی مرحوم آیت الله العظمی آقای خوئی بکنیم ما به ایشان نه از دید يك مرجع، بلکه از دید يك محقق، مؤلف و مدرس موفق نگاه می‌کنیم. آنچه که در باره این بزرگوار و امثال ایشان غالباً بعد از وفات صحبت می‌شود جنبه‌های مربوط به مرجعیت این بزرگواران است در حالی که آنچه در زندگی این افراد و شخصیت‌های برجسته، اهم است خصوصیات است که مستقیماً به مرجعیت آنها، مربوط نیست بلکه می‌شود گفت مرجعیت آنها ناشی از آن خصوصیات است و آن همان جنبه علمی، تحقیقی تدریسی و کار موفق و پیگیر آنان در این زمینه است اگر شما به زندگی این بزرگوار نگاه کنید می‌بینید حداقل در سه رشته علمی و درس مهم دارای فرآورده‌های تحقیقی هستند که یکی فقه دیگری اصول و سومی رجال است. این همه کتابهای فقهی و اصولی که شاگردان ایشان نوشته‌اند همه از کلمات ایشان است و شما به اینها اضافه کنید آنچه را که از قلم خود ایشان مستقیماً صادر شده است. کتاب بزرگ کم نظیر رجالی ایشان که ظاهراً آن را در سالهای اواخر عمرشان نوشته‌اند - چون ذکر می‌کنند که من این کتاب را با اشتغال زیاد و در دوران پیری می‌نویسم - يك فرآورده علمی عظیم است. حال شما ببینید يك عالمی که این مقدار فرآورده علمی دارد چقدر می‌تواند تأثیر در حوزه‌های علمی نه فقط در زمان خود، بلکه حتی بعد از زمان خود بگذارد.»

اینک در این مجال به بررسی مختصری از تألیفات و نوشته‌های آن مرجع بزرگوار می‌پردازیم:

تفسیر و علوم قرآنی

۱* - نفحات الاعجاز

این کتاب در پاسخ به کتاب «حسن الایجاز فی إبطال الاعجاز» نوشته فردی آمریکایی به نام مستعار نصیرالدین ظافر نوشته شده و در آن جاودانه بودن قرآن، به عنوان معجزه خاتم پیامبران را ثابت نموده و در سال ۱۳۴۳ق در نجف به چاپ

رسیده است.^{۲۴}

این کتاب را در بیست و پنج سالگی ایشان نگاشته شده است.

* ۲ - البیان فی تفسیر القرآن

یکی از بهترین و ارجدارترین کتبی است که پیرامون علوم قرآنی تألیف گردیده و در آن، پس از مقدمه که خود یکی از برترین تألیفات قرآنی است، به تشریح و تفسیر فاتحه الكتاب تا آیه ششم پرداخته است.

مطالب مطرح شده در مقدمه کتاب:

فضیلت قرآن، قرائت قرآن، اعجاز و حقیقت آن، اعجاز قرآن از دیدگاههای مختلف، جاودانگی هدایت قرآن، پاسخ به گفته‌های منکرین فضل قرآن، بقیه معجزات پیامبر و بشارات عهدین، قراء سبعه، نزول قرآن بر «سبعة احرف» و اینکه قرائات هفتگانه به جز سبعة احرف هستند، مسئله تحریف قرآن و اثبات نادرستی آن، گردآوری قرآن، حجیت ظواهر کتاب، مسئله نسخ و بررسی ۳۶ آیه که ادعای منسوخ بودن آنها شده است و اثبات عدم نسخ آنها، و پس از آن مبحث بداء و دیدگاه شیعه و تفسیر آن و پاسخ منکران بداء، حدوث و قدم قرآن.

در جای جای این کتاب، روح تحقیق، ابتکار، تتبع، آشنایی با علوم اسلامی چون: کلام، فقه، اصول، حکمت و فلسفه، تاریخ، حدیث، مناظره، تراجم، تفسیر، ادب، لغت و احاطه به کتب شیعه و سنی به چشم می‌خورد.

صد افسوس که این کتاب عظیم در همین يك جلد متوقف شد و امت اسلام از داشتن تفسیری بی‌مانند محروم ماند. چند کار پیرامون این کتاب صورت گرفته است:

أ - ترجمه بخش اعجاز آن به فارسی، به نام مرزهای اعجاز وسیله استاد ارجمند حاج شیخ جعفر سبحانی.

ب - ترجمه و تلخیص به فارسی، با عنوان شناخت قرآن وسیله آقایان محترم، محمد صادق نجمی و هاشم هریسی.

.....
۲۴ - الذریعه، ج ۴، ص ۲۴۶.

ج - ترجمه تمام البیان به فارسی به نام بیان در مباحث کلی قرآن به قلم اساتید نامبرده.

کلام

۳* - رساله در خلافت^{۲۵}

رجال

۴* - معجم رجال الحدیث

این کتاب یکی از کم نظیرترین کتب رجالی شیعه، و در برگزیده احوال ۱۵۶۷۶ نفر است که با نگارش زیبا و ترتیب جالب و تحلیل و منهج علمی در ۲۳ جلد به چاپ رسیده است.

مؤلف در این کتاب در ترجمه هر شخص، تمام راویان از او، و یا کسانی که شخص راوی از آنان نقل می نماید را ذکر کرده و جای روایات وی را در کتب اربعه معین نموده و با این کار، مشکل «مشترکات» را نیز حل کرده است. علاوه بر این، در احوال رلوی دقت کرده و درستی یا نادرستی طریق شیخ مفید یا طوسی را به او معلوم کرده است. فایده این کار این است که شخصی تمام روایات يك خبر را ملاحظه کرده و می بیند تمام آنها ثقه هستند و حکم به صحت روایت می کنند در حالی که غافل از آن است که طریق شیخ طوسی و یا مرحوم مفید به آن راوی ضعیف است و لذا روایت هم ضعیف می شود.

جلد اول کتاب در برگزیده ۶ مقدمه سودمند است:

۱ - دلیل احتیاج به علم رجال و پاسخ به منکرین این دانش؛

۲ - معیارهای علمی که به کمک آن وثاقت و حسن احوال راوی ثابت می شود؛

۳ - بحث در باره توثیقات متأخرین همچون سید بن طاووس، علامه حلی، ابن

داود، و علامه مجلسی؛

۴ - مناقشه و بحث در باره سایر توثیقات عامه مانند: اصحاب امام صادق در

رجال شیخ، سند اصحاب اجماع، روایت صفوان و ابن ابی عمیر و بزنی از يك

.....
۲۵ - مقدمه دلیل المعجم، ص ۲۰.

راوی، وکالت از امام، شیخوخت اجازه، مصاحبت معصوم، تألیف کتاب و تصنیف اصل، کثرت روایت از معصوم و امثال اینها؛
۵ - بحث در باره صحت روایات کتب اربعه؛
۶ - بحث در باره اصول پنجگانه علم رجال و کتاب ابن غضائری.
این کتاب در ماه رمضان سال ۱۳۸۹ ق به پایان رسیده و پیرامون آن دو کار انجام شده است:

- ۱ - مستدرک معجم رجال الحدیث، نوشته: جناب مؤلف.
- ۲ - دلیل معجم رجال الحدیث، نوشته: آقای محمد سعید طریحی.^{۲۶}

فقه

آنچه به چاپ رسیده است:

* ۵ - رساله در لباس مشکوک^{۲۷}

این رساله در ۱۳۶۱ ق در نجف به چاپ رسیده است.

* ۶ - المسائل المنتخبه

این رساله به زبانهای عربی، فارسی، انگلیسی، اردو، فرانسوی، اندونزیایی و ترکی منتشر گردیده، این کتاب خلاصه‌ای از تهذیب و تمیم منهاج الصالحین است.

* ۷ - تعلیقه بر عروة الوثقی

* ۸ - تعلیقه بر المسائل الفقهیه

* ۹ - تکملة منهاج الصالحین

منهاج رساله عملیه مرحوم آیت الله العظمی حکیم بوده، که معظم له با آراء خود منطبق نموده و بر آن تکمله‌ای نیز نگاشته است.^{۲۸} این تکمله شامل کتابهای: قضاء، شهادات حدود، قصاص، و دیات و به روش کتاب «عروة الوثقی» است.
آیه الله العظمی خویی در مقدمه این کتاب چنین مرقوم فرمودند:

.....

۲۶ - برای آشنایی بیشتر رک: مجله الموسم، س ۱۴۱۰ ق ش ۶، ج ۲، ص ۵۳۲ - ۵۴۰ مقاله «معجم رجال الحدیث المنهجیه و النتائج» نوشته محمد سعید طریحی.

۲۸ - همان، ج ۲۳، ص ۱۶۳.

۲۷ - الذریعه، ج ۱۸، ص ۲۹۳.

«يقول العبد المفتقر إلى رحمة ربه، الراجي توفيقه و تسديده أبو القاسم خلف العلامة الجليل المغفور له «السيد علي أكبر الموسوي الخوئي» ان رسالة منهاج الصالحين لآية الله العظمى المغفور له السيد محسن الطباطبائي الحكيم قدس سره لما كانت حاوية لمعظم المسائل الشرعية المبتلى بها في العبادات و المعاملات فقد طلب مني جماعة من أهل الفضل و غيرهم من المؤمنين أن أعلق عليها، و أبين موارد اختلاف النظر فيها فأجبتهم إلى ذلك.

ثم رأيت أن إدراج التعليقة في الأصل يجعل هذه الرسالة أسهل تناولاً، و أيسر استفادة، فأدرجتها فيه.

و قد زدت فيه فروعاً كثيرة أكثرها في المعاملات لكثرة الابتلاء بها، مع بعض التصرف في العبارات من الايضاح و التيسير، و تقديم بعض المسائل أو تأخيرها، فأصبحت هذه الرسالة الشريفة مطابقة لفتاوانا».

* ۱۰ - مباني تكملة منهاج الصالحين، ۲ جلد

این کتاب در مباحث حقوق جزایی از دیدگاه اسلام، یکی از برترین و ارزنده ترین کتابهای مورد استناد است.

* ۱۱ - تهذیب و تتمیم منهاج الصالحین، ۲ جلد

* ۱۲ - المسائل والردود (مجموعه فتاوی)

* ۱۳ - مستحدثات المسائل

شامل برخی از مسائل جدید و مورد ابتلاء که از ایشان پرسش شده بود.

* ۱۴ - توضیح المسائل گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

* ۱۵ - منتخب توضیح المسائل

* ۱۶ - منتخب الرسائل

* ۱۷ - تلخیص المنتخب

این کتاب گزیده ای از «المسائل المنتخبه» است.

* ۱۸ - تعلیقه المنهج لأحكام الحج

* ۱۹ - مناسك حج

به دو زبان عربی و فارسی نگاشته شده است.

- * ۲۰ - منية السائل (مجموعه فتاوی) و آنچه تاکنون به چاپ نرسیده است:
- * ۲۱ - ازالة المحادة عن ملك المنافع المتضادة این رساله در ۱۳۵۱ق به امر میرزا علی آقا شیرازی نوشته شده است.^{۲۱}
- * ۲۲ - إضائة القلوب بتحقیق المغرب و الغروب، این رساله در ۱۳۵۳ق نوشته شده است.^{۲۰}
- * ۲۳ - اناره العقول في انتصاف المهر بموت احد الزوجین قبل الدخول، این مکتوب در ۱۳۵۵ق نوشته شده است.^{۳۱}
- * ۲۴ - فقه القرآن على المذاهب الخمس^{۳۲}
- * ۲۵ - قاعدة التجاوز
- * ۲۶ - فهرست جامع الشتات میرزای قمی^{۳۳}
- * ۲۷ - تقریرات درس فقه مرحوم میرزای نائینی
- * ۲۸ - تقریرات درس فقه مرحوم محقق اصفهانی
- * ۲۹ - حاشیه بر وسیلة النجاة
- * ۳۰ - حاشیه بر مکاسب شیخ انصاری^{۳۳}

* اصول

- * ۳۱ - اجود التقریرات
- تقریرات درس مرحوم میرزای نائینی است که در سال ۱۳۴۸ (یعنی ۳۱ سالگی مؤلف) و ۱۳۵۴ق در صیدا در دو جلد به چاپ رسیده است.^{۲۵}
- * ۳۲ - تقریرات درس اصول مرحوم محقق اصفهانی

.....

۲۹ - همان، ج ۱، ص ۵۳۰.

۳۰ - همان، ج ۲، ص ۲۱۳.

۳۱ - همان، ج ۲، ص ۳۵۴.

۳۲ - مقدمه البیان، ص ۱۷.

۳۳ - دو کتاب اخیر از مقدمه دلیل المعجم، ص ۱۹ نقل شد.

۳۴ - چهار کتاب اخیر از مجله الموسم، ش ۶، سال ۱۴۱۰ق، ص ۵۱۹ نقل شد.

۳۵ - النریعه، ج ۱، ص ۲۷۸.

تأثیر در حوزه علمی نجف

آیت الله فقید از سال ۱۳۶۵ق که محفل درسش یکی از پر رونق‌ترین و برترین محافل علمی حوزه نجف شده بود، تأثیر خویش بر این حوزه استوار و شکوهمند را آغاز کرد. تشنگان علم و دانش برای استفاده از درس آیت الله خویی از هر سو رو به نجف نهاده و برشکوه و عظمت حوزه نجف افزودند.

ایشان زعامت علمی حوزه را بر عهده گرفته و دانش دین در آن شهر علم امیرالمؤمنین بر محور آن مرجع بزرگ می‌چرخید. وقتی درس او برای مدتی تعطیل می‌شد، اثر محسوس و آشکاری بر حوزه می‌گذاشت و با شروع درس ایشان روح نشاط در کالبد حوزه دمیده می‌شد.

همچنین نقش ارزنده و بسیار مهم آیت الله العظمی خویی در جهت حفظ و صیانت حوزه هزار ساله نجف از گزند حوادث شوم و اتفاقات ناگوار، ناشی از هجوم رژیم ددمنش و کفر پیشه بعث عراق، چیزی نیست که بر کسی مخفی مانده باشد.

رژیم الحادی بعث که همواره وجود این حوزه پر شکوه و با عظمت را مانعی در برابر عملکرد شیطانی خود احساس می‌کرد و می‌دید که از همین حوزه بود که فریاد الشیوعیه کفر و الحاد^{۳۷} برخاست؛ با تمام توان مترصد از بین بردن آن بود، اما وجود زعما و مراجع بزرگ حوزه نجف چون حضرات آیات عظام: امام خمینی، حکیم، خویی، شاهرودی و شیرازی رحمة الله علیهم را در برابر خود سدهایی استوار و موانعی مستحکم می‌یافت.

با وفات آیات عظام: سید عبدالهادی شیرازی، سید محسن حکیم و سید محمود شاهرودی و مهاجرت حضرت امام خمینی قدس سره از حوزه نجف، رژیم بعث که صحنه را از معارض خالی دیده بود، با تمام توان در صدد انهدام و فرو

۳۶ - این دو کتاب از مجله الموسم نقل شد.

۳۷ - فتاوی مرحوم آیت الله العظمی حکیم در باره حزب بعث و مرام آن.

پاشی آن برآمد، اما مواضع حکیمانه و ایستادگی قهرمانانه این مرجع فقید باعث شد تا سر دشمن به سنگ خورده و از فکر باطل خود ناامید گردد. آری آیت الله فقید یکه و تنها در برابر اذیت و آزارهای رژیم بعث ایستاده و سالهای سخت و سیاه دوران جنگ تحمیلی و پس از آن، زندانی شدن و به شهادت رسیدن یاران خود را تحمل کرد، اما حوزه را از خطر نابودی نگاه داشت. اینک پس از وفات آن زعیم بزرگ دست نیاز به درگاه خداوند بلند نموده و حیات و بقاء حوزه نجف را خواستاریم.

از دیگر تأثیرات وجودی آیت الله العظمی خویی در حوزه علمیه نجف، احیاء و رواج درس تفسیر و علم رجال بود. هر چند پیش از معظم له برخی از بزرگان حوزه همچون حضرات آیات: علامه شیخ محمد جواد بلاغی و مرحوم شیخ عبدالحسین رشتی در دانش تفسیر قلم زده و به آن اهمیت می دادند ولی هنوز در عداد علوم رایج حوزه و در ردیف فقه و اصول قرار نگرفته بود، حتی زمانی فرارسید که به غیر از فقه و اصول در حوزه علمی نجف هیچ دانش دیگر تدریس نمی شد، نه رجال و درایه و نه تفسیر و فلسفه. و این آیت الله خویی بود که با تدریس تفسیر و احیاء دو باره علم رجال این دو دانش ارزنده را از گوشه انزوا به در آورده و آن را در شمار علوم رسمی حوزه قرار داد.

یکی دیگر از آثار ایشان در حوزه نجف رایج نمودن نگارش تقریرات بود. مجلس درس با عظمت ایشان مالا مال از علما و فضلاء بود و ترغیب و تشویق آنان به نگارش تقریرات از طرف استاد و نظر دقیق و تأیید وی در برخی از آن نوشتجات، باعث شد تا اغلب شرکت کنندگان دست به قلم برده و تقریرات درسهای فقه و اصول و تفسیر ایشان را بنویسند.

پیشتر گفتیم که ایشان یکی از مهمترین عوامل حرکت علمی در حوزه معاصر نجف بوده و درس ایشان تأثیر بسیاری بر درسهای دیگر نجف می نهاد، و همین رواج نوشتن تقریرات در درس ایشان سبب شد تا شاگردان دیگر بزرگان حوزه نجف نیز دست به قلم برده و تقریرات درس دیگر مراجع نیز به رشته تحریر در آید.

ویژگیهای اخلاقی

فقه‌اء بزرگ شیعه در زندگی خویش همواره اخلاق نیکوی پیامبران را الگوی خویش قرار داده و با حرکت در مسیر انبیاء، برای هدایت و سعادت بشریت اسوه حسنه هستند. علماء تشیع با نصب العین قرار دادن خلق عظیم پیامبران الهی و ائمه اطهار علیهم السلام والاترین حماسه‌های شکوهمند تاریخ بشریت را ایجاد کرده‌اند، مرحوم آیت الله العظمی خوئی یکی از عالیترین نمونه‌های آن است. اینک برخی از خصایص اخلاقی آن رادمرد فرزانه را بر می‌شماریم:

یاری ضعیفان

از ویژگیهای بارز رفتار ایشان دستگیری از نیازمندان و کمک به درماندگان بود. هر جا احساس می‌نمود عده‌ای به کمک و رسیدگی نیاز دارند بدون درنگ به یاری آنان می‌شتافت لذا می‌بینیم که مؤسسات خیریه زیادی به نام ایشان در هند و پاکستان و تایلند و ایران و عراق و لبنان تأسیس شده است. در ماه‌های رمضان و ذی‌الحجه - خصوصاً - اهتمام ایشان به زندگی فقرا و ایتم، بیشتر می‌شد.

لیستی از فقراء نجف نزد ایشان بود که هر ماه هزینه زندگی آنان را از طریق وکلاء خود می‌فرستادند و هم در بیروت مؤسسه‌ای از جانب ایشان عهده‌دار کمک رسانی به یتیمان و فقیران شیعه بوده و خود نیز سرپرستی بسیاری از خانواده‌های زندانیان و مفقودین و شهیدان جریانات عراق را بر عهده گرفته بودند.

و نیز صرف حقوق شرعی در جهت رفع نیازمندیهای سادات نخواوله - در مدینه - و شیعیان لبنان را اجازه داده بودند و پس از جنگ داخلی لبنان بود که به امر ایشان، دارالایتم مدرن و مجهزی با تمام امکانات آموزشی، بهداشتی، و یک هنرستان فنی حرفه‌ای در یکی از بهترین نقاط بیروت بنا گردید. این بنا دارای سه بلوک پسرانه و سه بلوک دخترانه و هر بلوک دارای شش طبقه می‌باشد که هنوز پا برجاست.

عفو و گذشت

خداوند بزرگ در کتاب جاودانه‌اش می‌فرماید: خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ^{۳۸} مرجع بزرگوار ما این سرور آسمانی را به گوش جان شنوده و عفو و بخشش و سماحت و بزرگواری در رفتار وی کاملاً مشهود بود. در طول زندگانی خویش با بدخواهان و حسودان و مخالفان زیادی مواجه شده، و با وجود اینکه آنان بر علیه ایشان سخن گفتند و حرکاتی انجام دادند، اما آیت الله فقید با آنان به بزرگی و متانت رفتار نموده و از سر تقصیرات و اشتباهات آنان درمی‌گذشت و حتی وقتی که با آنان مواجه می‌شد، بذل توجهی نیز به حال آنان نمی‌نمود.

بهره‌وری از وقت

امیرمؤمنان فرموده: إِذَا أَمَكَّنَكَ الْفُرْصَةَ فَانْتَهِزْهَا فَإِنَّ إِضَاعَةَ الْفُرْصَةِ غُصَّةٌ^{۳۹} آیت الله فقید به این دستور حضرت کاملاً عمل کرده و از فرصت‌ها و ساعات زندگی خود استفاده کرده و از کمترین اوقات، بیشترین بهره‌ها را می‌برد.

ایشان اوقات شبانه روز خود را به تدریس، مطالعه، عبادت و تهجد، قرائت قرآن، جواب استفتائات، ملاقات با مردم، تألیف، نماز جماعت و زیارات می‌گذرانید.

جناب آقای شیخ ابراهیم نصیراوی گوید:

ایشان تا نیمه‌های شب بیدار مانده مشغول مطالعه بودند، سپس کمی خوابیده و پس از آن (یک ساعت و نیم) به اذان صبح بیدار شده و به تهجد و قرائت قرآن و عبادت می‌پرداخت.

هنگام صبح هیئت استفتاء نزد ایشان آمده و جواب پرسشهای فقهی را برایشان خوانده و نظرخواهی می‌نمودند، و این جلسه تا دو ساعت به طول می‌انجامید، نیز هر روز با دو تن از بزرگان نجف جلسه مشورتی تشکیل می‌دادند. پس از نماز مغرب و عشاء ایشان به بیرونی تشریف آورده و با حاضرین ملاقات

.....
۳۸ - سوره اعراف (۷): ۱۹۹.

۳۹ - غررالحکم، ج ۱، ص ۳۲۱، ح ۱۵۰.

می نمودند و مسائل شرعی آنان را پاسخ می گفتند و این برنامه هر روز ایشان بوده و کهولت و بیماری مانع از ادامه این برنامه نمی شد.

در هر وقت و فرصت مناسب به حفظ کردن اخبار و احادیث با سندشان می پرداختند. هر وقت مسئله مشکلی در ریاضیات و حساب برایشان پیش می آمد، با آقا در میان نهاده و پس از اندکی وقت به فوریت جواب مسئله را می دادند. از هر فرصتی نهایت استفاده را می نمود. هنگام وضو گرفتن و آماده شدن برای نماز، به قرائت قرآن از طریق نوار گوش فرا می دادند. حتی روزی را به یاد می آورم که نوار قاری معروف شیخ خلیل حصری را گوش می دادند که سه خطا در فنون تجوید و قرائت، از وی گرفتند، این اشتباهات را در نامه ای نوشته و برایش فرستادند...^{۲۰}

معظم له در طول مسیر نجف به کوفه - تا این اواخر - به حفظ قرآن می پرداختند.

ساده زیستی

مرجع بزرگوار در زندگی، بی آرایش و ساده بود از تجمل و رفاه زاید دوری می کرد، سفره هایش را غذایی ساده تشکیل می داد و در صرف وجوهات شرعی، کاملاً احتیاط می نمود. از بسیاری کارهای مشروع به خاطر منافات داشتن با روح زهد و تقوا، دوری می کرد. برخی از مؤمنینی که زندگی بی آرایش و مقتصدانه ایشان را مشاهده کرده بودند و می دیدند که در زندگی بر خویش چقدر سخت می گرفت، بر آن شدند تا ماهانه مبلغی به عنوان هدیه تقدیمش کنند تا در مصارف شخصی مصرف کرده و اینقدر بر خود سخت نگیرد. ایشان تا حد امکان از صرف وجوه شرعی در مصارف شخصی خودداری می کرد.

جناب آقای نصیراوی گوید:

روزی یکی از مؤمنین مبلغی از سهم سادات را به من داده و گفت: این را

.....
۲۰ - هفته نامه لواء الصدر، ش ۵۶۴، یکم ربیع الاول ۱۴۱۳ق، ص ۷.

به خود آقا بدهید تا در مصارف خویش مصرف نماید من هم پول را آورده و پیام را رسانیدم. آقا فرمود: من از حقوق شرعی چیزی را بر نمی‌دارم و من هم پول را برگردانیدم...^{۴۱}

تواضع و فروتنی

آیت الله فقید در زندگی، تواضع را پیشه خود ساخته بود از کبر و غرور و عجب سخت بدش می‌آمد و از کارهایی که رنگ و بوی بزرگ منشی و خود بینی داشت سخت پرهیز می‌نمود. با اینکه وی از مدرسان بزرگ جهان تشیع به شمار می‌رفت و شاگردان و پرورش یافتگان مکتبش همه از پیشوایان فکری جهان تشیع محسوب می‌شدند و حوزه درسی‌شان برترین محفل علمی جهان اسلام بود با این همه از مظاهر کبر و غرور دوری می‌کرد. در خانه‌اش به روی همه باز بود، همه می‌توانستند شخصاً با آقا ملاقات نموده و مسئله خود را با ایشان در میان بگذارند. از دالان باریک خانه‌اش که عبور می‌کردی اتاقی رو برویت می‌دید که آقا خود نشسته و بدون مشکل و معطلی با ایشان ملاقات می‌نمودی. با ضعفا و بیچارگان که به حضورش می‌رسیدند به همان نحو برخورد می‌کرد که با دیگران، و نحوه ملاقات تفاوت نمی‌کرد.

آیت الله فقید در پیروی از فرمان امیرمؤمنان که فرمود: لِكُلِّ دَاخِلٍ دَهْشَةٌ فَأَبْدُوا بِالسَّلَامِ^{۴۲} همیشه ابتداء به سلام می‌نمود، هر وقت وارد مجلسی می‌شد با صدای بلند به حاضرین سلام می‌نمود. از مظاهر دیگر فروتنی ایشان این بود که در جلوی پای واردین بلند می‌شدند یکی از آقایان می‌گفتند:

ما ۲۵ نفر بودیم که از کاظمین به نجف برای زیارت رفتیم پس از زیارت به دیدار آیت الله فقید رفته و من آخرین نفری بودم که وارد اتاق شدم، دیدم ایشان جلو پای اولین نفر بلند شد و تا زمانی که من بر زمین ننشستم، آقا هم نشست.

.....
۴۱ - همان.

۴۲ - غررالحکم، ج ۲، ص ۵۷۹، ح ۵۰.

تجلیل از دانشمندان

ایشان به علم و دانش عشق می‌ورزیدند، از کودکی و نوجوانی با علم و دانش خوگرفته و با آن بزرگ شده بود. لذا برای علم و عالم احترام فراوانی قائل بود. گاه در مناسبت‌های مختلف از شاگردان فاضل خود (همچون مرحوم شهید صدر و سید علاء‌الدین بحر العلوم و استاد آقا شیخ محمد تقی جعفری) نام برده و مقام فضل و دانش آنان را می‌ستود.* اینک پس از درس، مدتی طولانی - نزدیک به یکساعت - برای پاسخ به پرسش‌های علمی شاگردان خویش می‌نشست و در مجالس خصوصی صحبت علمی به میان می‌آورد، و حتی در کوچه و خیابان به سؤالات تلامذه و دیگران پاسخ می‌داد و اینکه خود در هر روز چهار نوبت به تدریس می‌پرداخت و دائم اوقات خویش را به تتبع، تحقیق، تألیف، تدریس و تعلیم شاگردان سپری می‌ساخت و حتی از استراحت خود - برای ازدیاد ساعات مطالعه - می‌کاست همه نشان از دانش دوستی آن فقیه فرزانه دارد.

به استاد خود مرحوم آیت الله نائینی شدیداً علاقمند بود و احترام می‌نهاد حضرت آقای فقیه ایمانی گوید:

«آقا همیشه پیش از درس، برای استاد خود حمد و سوره قرائت کرده و ثوابش را به روح ایشان اهداء می‌نمود.» وقتی می‌دید دانشمندی نوشته باارزشی پدید آورده، برای بزرگداشت مقام و علم و گرامیداشت آن دانشمند، تقریظی بر آن کتاب می‌نگاشت. مانند تقریظی که بر کتاب اصول الاستنباط نوشته سید علی نقی حیدری و کتاب نهج البلاغه منظوم، اثر مرحوم انصاری قمی، نوشته‌اند.

برخورد ایشان با اهل علم و دانشمندان بسیار جالب و آمیخته با توقیر و احترام بود و وقتی علما و دانشمندان به نجف می‌آمدند، ایشان خود به دیدن آنها رفته و به فرستادن نماینده اکتفا نمی‌نمود.

استاد جعفر سبحانی در باره احترام آن مرحوم نسبت به بزرگان نوشته‌اند: حضرت آیه الله العظمی حکیم در همان مسجدی تدریس می‌کردند که آقای خوئی درس می‌گفتند و وقت درس آقای حکیم هم بعد از درس آقای خوئی بود، روزی

* - مجله حوزه شماره ۵۰ - ۵۱، ص ۵۶.

استاد پس از فراغت از تدریس به خاطر سؤالات متفرقه شاگردان، مدت کمی در کرسی تدریس درنگ نمودند که حضرت آیه الله حکیم وارد شد وقتی چشم آیه الله خوئی به ایشان افتاد با دستپاچگی خاصی لوازم خود را برداشت و دست به سینه در مقابل ایشان ایستاده و معذرت خواهی نمود.

صبر و بردباری

صبر و شکیبایی استوارترین ستونی است که کاخ سعادت انسان بر روی آن قرار گرفته است. هر گاه در مراحل پر آشوب سفر زندگانی، صبر رفیق راه بشر نباشد، نه تنها نمی‌تواند منازل سلوک اخلاقی را طی کند بلکه در اولین منزل خسته و فرسوده شده و از راه می‌ماند.^{۴۳} خداوند می‌فرماید: *إِنَّمَا يُوفَى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ*^{۴۴} *وَ اللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ*.^{۴۵} مرجع عالیقدر در طول زندگانی خویش با ناملایمات فراوان روبرو شد ولی در مقابل شدائد و حوادث، خم به ابرو نیاورد و صبر و بردباری را پیشه خویش ساخت. آن روز که فرزند فاضلش مرحوم حجت الاسلام آقا سید علی خوبی به علت تصادف جان سپرد و روزی که مرحوم حجت الاسلام و المسلمین آقای حاج سید جمال الدین خوبی، که به سان دست راست و بازوی قوی ایشان بود، بر اثر بیماری جان خود را از دست داد، او عنان بردباری را از کف نداده و به قضای الهی تن در داد. در پی نهضت اخیر شیعیان عراق (شعبان ۱۳۱۲ق) بود که فرزندش آقا سید ابراهیم خوبی و داماد ایشان جناب حجت الاسلام آقای حاج سید محمود میلانی توسط دولت عراق بازداشت شدند و پس از فرو نشستن این حرکت مردمی بود که خود شخصاً به فشارها، اهانتها، سفاکیها و هتاکیهای رژیم ضد انسانی عراق مبتلا گشت. شب هنگام ایشان را از نجف به بغداد برده ومدتها تحت نظر نگهداشته و سرانجام به کوفه تبعید کردند و در يك کلام به ساحت مقدس مرجعیت، اهانتهاى بسیار روا داشتند ولی او در مقابل این همه مصیبت صبر نموده و در پایان با دلی پر درد به اجداد طاهرینش پیوست.

.....
۴۳ - آئینه دل، ج ۱، ص ۲۴۴.

۴۴ - سوره زمر (۳۹): ۱۰.

۴۵ - سوره آل عمران (۳): ۱۴۶.

تقیّد به زیارت

حضرت آیة الله به زیارت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام بسیار علاقه داشته و هر روز پیش از شروع درس به حرم مطهر رفته و پس از زیارت و عرض سلام برای تدریس به مسجد خضراء تشریف می آورد. در ایام زیارتی مخصوص امام حسین علیه السلام به کربلا رفته و آن حضرت را زیارت می کرد و به همین منظور خانه ای هم در کربلا اجاره کرده بودند.

حضرت آقای سید جلال الدین فقیه ایمانی می گوید:

زمانی یکی از تجار تهران پولی نذر ایشان کرده و به نجف فرستاد. مرجع فقید با آن پول وسیله نقلیه ای اجاره کرده بود که با استفاده از آن هر شب جمعه، همراه با چند نفر از علما و فضلا، به کربلا رفته و پس از انجام زیارت، صبح جمعه به نجف باز می گشتند. در طول مسیر رفت و برگشت و مدتی که در کربلا بودند به بحث علمی اشتغال داشتند.

تجلیل از مراجع معاصر

معظم له برای مراجع تقلید احترام خاصی قائل بود و از آنان تجلیل می نمود. گویند وقتی چشمان مرحوم آیت الله العظمی سید عبدالهادی شیرازی رو به ضعف نهاده و سرانجام نابینا شد، ایشان فرموده بود: افسوس که چشم نجف نابینا شد.

همچنین ایشان و مرحوم آیت الله شیرازی، در دوران مرجعیت عامه آیت الله العظمی بروجرودی (ره) از باب احترام و تأدب، شهریه ایشان را می پذیرفتند در حالی که خود از مدرّسان بزرگ و مشهور تشیع و بی نیاز از آن بودند. همچنین ایشان برای آیت الله العظمی حکیم احترام عمیقی قائل بود، از این رو تألیفات ایشان را مطمح نظر قرار می داد چنانکه بر کتاب منهاج الصالحین ایشان، تکمله، مبانی تکمله و تهذیب و تتمیم نگاشت و همچنین «مستند العروة» را ناظر به «مستمسک العروة» مرحوم حکیم قرار دادند و بدینسان آراء و نظرات مرحوم آیت الله حکیم را در سطح حوزه های علمیه مطرح نمودند.

جناب آقای فقیه ایمانی داماد محترم ایشان می گویند: زمانی رژیم بعث در پی

ایذاء و آزار مرحوم آیت الله حکیم برآمده، و ایشان را از نجف به کوفه تبعید کردند، و به خاطر اهانت به آن مرجع عالیقدر هرگونه رفت و آمد با ایشان را ممنوع کرده و متخلفان را دستگیر و زندانی می نمودند و در همین حال آیت الله خویی که بیمار و بستری و برای ادامه درمان به بیمارستان ابن سینای بغداد منتقل شده بود پس از بهبودی که عازم نجف بودند رژیم بعث برای آنکه زعامت و مرجعیت آیت الله العظمی حکیم را تضعیف نموده و تحت الشعاع قرار دهد به تمام قبایل و عشایر ساکن در طول مسیر بغداد - نجف دستور داده بود تا با برپایی جشن و سرور از موکب آیت الله فقید استقبال نمایند.

آیت الله العظمی خویی این معنی را فهمیده و در صدد خنثی کردن نقشه رژیم برآمد، لذا با اینکه قرار بود شب جمعه از بغداد راهی نجف شوند، سحرگاه سه شنبه، پیش از اذان صبح، حرکت کرده و هنگام اذان صبح به نجف رسیدند. مردم و طلاب نجف که ایشان را در حرم دیدند، بهت زده از خود می پرسیدند: چرا آقا بدون اطلاع و بدون استقبال به نجف آمده اند. آیت الله فقید پس از ادای نماز صبح و صرف صبحانه به سوی کوفه حرکت کرده و هنگام طلوع آفتاب بود که در منزل آیت الله حکیم را دق الباب کرد، و این در حالی بود که مأموران از ورود اشخاص به منزل ایشان جلوگیری می کردند، فرزند آیت الله حکیم درب روی ایشان گشوده، ایشان را در مقابل خود دید با ناباوری پرسید: «انت؟» فرمودند: بلی و در پی آن وارد منزل شده و حدود دو ساعت با مرحوم آیت الله حکیم به گفتگو پرداختند.

شهادت آیت الله زاده حکیم می گوید: از ابتدا تا پایان این ملاقات لحظه ای لبخند از صورت پدرم محو نشد و هیچ روزی پدرم را بدین خوشحالی ندیده بودم.

تهجد و تهذیب نفس

ایشان از اوان تحصیل به محضر مرحوم آیت الله سید عبدالغفار مازندرانی و میرزا علی آقا قاضی رسیده و در مکتب اخلاقی و عرفانی آنها به تهذیب نفس پرداخته بود و در میان شاگردان مرحوم قاضی، این تنها آیت الله العظمی خویی بود که که ارتباط خاصی با ایشان داشت.

ایشان در حالی که مدرّس درس خارج در حوزه نجف بود تقریباً کلیه اوقاتشان صرف مطالعه می‌شد، شبهای چهارشنبه به مسجد سهله (۱۰ کیلومتری نجف) رفته و در آنجا به عبادت می‌پرداخت. حتی يك سال، چهل شب چهارشنبه پشت سر هم در مسجد سهله بیتوته کرده و صبح برای تدریس به نجف باز می‌گشت. و نیز در همان ایام چهل شب جمعه به کربلا رفته و در آنجا مشغول زیارت و مناجات و ذکر و دعا می‌شدند. و این نشانه بارزی از آن است که مرجع فقید با دعا، مناجات، زیارت و ذکر کاملاً مأنوس بوده و تا آنجا که وقت اجازه می‌داد مسئولیت‌های سنگین زعامت و مرجعیت بر عهده‌اش قرار نگرفته بود از فرصت برای بیتوته و شب زنده‌داری در اماکن متبرکه استفاده می‌نمود.

سخن از ویژگیهای اخلاقی مرجع بزرگوار مانند: احترام عمیق به والد، وفای به وعده، نظم در امور، عفو و سعه صدر، اهتمام به عزاداری امام حسین (ع) و ذکر مصائب سالار شهیدان، دقت در امور حسبیه، عدم تجمل در پوشاک و خوراک، پیگیری اوضاع و احوال مسلمانان، مهربانی با کودکان، رسیدگی به فقرا، عفو و گذشت، رسیدگی به درماندگان و نیازمندان و ذکر نمونه‌هایی از هر کدام، نیازمند نوشتاری مفصل است.

نقش آیت الله خویی در انقلاب اسلامی ایران

از آغاز حرکت خروشان مردم مسلمان ایران به رهبری امام خمینی قدّس سره در جهت نابودی رژیم غاصب و جنایت پیشه پهلوی، از سال ۱۳۴۱ که رژیم با طرح مسئله انجمنهای ایالتی و ولایتی در صدد اجرای نقشه‌های ضد دینی خود بر آمد، مراجع عالیقدر و علماء اعلام همه يك پارچه نبرد بی‌امان خویش را با دولت جبار و خائن شروع نمودند.

یکی از این بزرگان آیت الله خویی بود که از اوان نهضت با صدور اطلاعیه‌ها، پیامها و تلگرامها نقش خود را در پیشبرد حرکت اسلامی مردم ایران ایفا کرد. اقدامات ایشان که از مهرماه ۱۳۴۱ شروع شد، همه حاکی از ژرف‌نگری و عمق نظر ایشان است.

جناب حجت‌الاسلام آقای ناطق نوری در تشریح فعالیت‌های سیاسی ایشان

می‌گوید:

...مبارزات ایشان در آغاز نهضت شکوهمند ایران به رهبری امام راحلمان اعلی‌الله مقامه را همه می‌دانند. مشارکت ایشان در نهضت و انقلاب در اوائل نهضت، به گونه‌ای بود که بعضاً در آن روزها و ماههای اول، آن چنان حاد و داغ، ایشان با حکومت شاه برخورد داشتند که امام(ره) و آیت الله العظمی میلانی(ره) پیکی را فرستادند و از ایشان خواستند که با آن حدت و شدت کار را ادامه ندهند...^{۴۶}

برخی از عناوین اعلامیه‌های ایشان عبارت است از:

در باره تصویبنامه انجمنهای ایالتی و ولایتی، رفراندوم شاه، یورش مزدوران شاه به فیضیه، اهانت رژیم شاه به مقدسات اسلامی، اعمال ضد اسلامی رژیم شاه، قیام پانزده خرداد، دستگیری جمعی از علمای آذربایجان، لغو قوانین خلاف اسلام، آزاد کردن امام خمینی، تبعید امام خمینی، قانون شکنی‌های رژیم شاه، تهاجم مسلمانان برای آزاد سازی سرزمینهای اسلامی، و اوج مبارزات مردم مسلمان ایران در آبان ماه ۱۳۵۷، و سرانجام در باره همه پرسى نظام جمهوری اسلامی و...^{۴۷}

چند نمونه از اعلامیه‌های ایشان:

تلگرام به علماء ایران در پی یورش مزدوران شاه به مدرسه فیضیه:
در اول این ماه تلگرافاً از شاه خواستیم که از پشتیبانی قوانین شوم ضد اسلام خودداری نماید و الاّ علماء اعلام و مسلمانان جهان در دفاع از مقدسات اسلام کوتاهی نخواهند نمود. به قرار معلوم بر پشتیبانی خود باقی و از اهانت به مقدسات دین دست بردار نیست، خصوصاً حادثه مؤلمه قم قلوب ما و عموم مسلمین را جریحه دار نموده، بار دیگر بدین وسیله اعلام می‌داریم چنانچه از این قوانین رفع ید نشود آخرین وظیفه خود را انجام خواهیم داد و مسئول حوادث، شخص شاه و هیئت دولت خواهند بود.

۸ ذی القعدة ۱۳۸۲ - نجف اشرف ابوالقاسم الموسوی الخویی^{۴۸}

۴۶ - روزنامه اطلاعات، مورخه ۷۱/۵/۱۸.

۴۷ - این اعلامیه‌ها در جلد اول کتاب اسناد انقلاب اسلامی گرد آمده است.

۴۸ - اسناد انقلاب اسلامی، ج ۱، ص ۶۹.

در پی قیام خونین پانزدهم خرداد این اطلاعیه صادر شد:

بسم الله الرحمن الرحيم

قال الله سبحانه و تعالی وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّنْ دُونِ
اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءٍ ثُمَّ لَا تُنصِرُونَ^{۴۹}

کمک و همراهی با ظالمین و ستمگران در شریعت مقدسه اسلامیه از اعظم
محرمات است و در حرمت آن بین علماء اعلام خلافی نیست. نظر به اینکه دولت
فعلی ایران برای پیشرفت مقاصدشوم خود - که مخالف مقررات دین اسلام است - از
هر گونه تعدی و ظلم از زدن و کشتن و زندان بردن آقایان علماء اعلام و طلاب علوم
دینی و سایر طبقات مؤمنین مضایقه ندارد، بر هر فردی از افراد مسلمان در هر لباس
و هر مقامی که باشند واجب است که از همکاری با این دولت خائن خود داری
نمایند. و بر تمام مسلمانان لازم است استغاثه حضرت سید الشهداء حسین
بن علی علیه السلام را در نظر گرفته و از دین مقدس اسلام دفاع نمایند.

نجف اشرف، ۱۴ محرم الحرام ۱۳۸۳، ابوالقاسم الموسوی الخوی^{۵۰}

ایشان در اردیبهشت ۱۳۴۲ نیز فرمودند:

...حقاً در جهان امروز ما دیگر به هیچ وجه اینگونه جرائم زشتی که شاه
ایران و دستگاه حاکمه آن برای جنگ با دین و رجال دینی و ملت شریف ایران
مرتکب می شود قابل تحمل نیست... گذشته هیئت حاکمه با ننگ و عار مشخص
می شود، چنانکه امتیاز این حکومت در وضع حاضر، فضاحت و رسواییهایی است
که يك نمونه آن را در کوباندن مراکز دینی و علمی و افتخاری که از این عمل
شجاعت مآبانه خود به خرج می دهند مشاهده می کنیم... تجاوزات مکرر دستگاه
حاکمه بدون هیچ گونه مجوز قانونی، مشت آنان را در دشمنی با ملت در دنیا باز
می کند و تدریجاً حکومت سیاه آنها بزرگترین لکه ننگ را برای ملت ایران به بار
می آورد. کشتارهای وحشیانه ای که در قم و تبریز^{۵۱} به عمل آمد، قلوب مردم جهان

.....

۴۹ - سوره هود(۱۱): ۱۱۳.

۵۰ - اسناد انقلاب اسلامی، ج ۱، ص ۱۰۷.

۵۱ - اشاره به تجاوز و کشتار در مدرسه فیضیه قم و مدرسه طالبیه تبریز.

را در تمام اقطار عالم جریحه دار کرد و بدین وسیله يك صفحه ننگین دیگری بر پرونده جرائم بی حساب خود افزودند... رجال مجاهد ما پیوسته درخت اسلام را با خونهای پاک خود آبیاری کرده اند و نشاط آن را باز یافتند، هم اکنون باز از تشنگی و پژمردگی احساس شکایت می کنند. من افتخار می کنم که خون ناچیز خود را به عنوان قربانی در راه حفظ دین و قرآن و نابودی ستمکاران تقدیم کنم؛ زیرا زندگی با فشار ستمگران و دشمنان اسلام برای من چیزی جز مرگ یا بدتر از مرگ نیست... ۵۲

نیز در اعلامیه ای دیگر فرمودند:

... عده بسیاری در تاریخ ملاحظه می شوند که درخت مقدس اسلام را با خون خود آبیاری نموده و ریشه آن را مستحکم ساخته و از سقوط آن جلوگیری نموده اند. هم اکنون شاخه های این درخت به خشکی تمایل نموده و اصل آن نیازمند به آبیاری جدیدی است. من نیز خون خود را در این راه اهداء می کنم و بزرگترین افتخار من آن است که این هدیه برای سلامتی دین مقدس اسلام و برای محفوظ ماندن قرآن مجید از انواع تعدیات و برای نابود شدن جنایتکاران وسیله ای قرار گیرد. نهایت خوشوقتی آنجاست که این هدیه در پیشگاه حضرت بقیه الله ارواحنا له الفداء مورد قبول واقع گردد.

زنده بودن و تماشای عجایب و ملاحظه تسلط دشمنان دیرینه اسلام بر مقدرات مسلمانان در حکم مرگ و تلختر از مرگ است. بدا به حال ما اگر در مقابل خطر ساکت بنشینیم و ودایع گرانبهای پیمبران را به رایگان به دست دشمنان بسپاریم. وای بر حال ملت ایران اگر خدای نخواستہ افرادی از دشمن، اختیارات او را به دست گیرد.

تاریک روزی که قدرت حمایت از دین و کشور از افراد ملت بکلی سلب گردد... ۵۳

.....

۵۲ - اسناد انقلاب اسلامی، ج ۱، ص ۸۷ - ۹۰.
۵۳ - همان، ص ۸۴ - ۸۵. این دو اعلامیه در هشت صفحه در بی جهمین روز فاجعه مدرسه فیضیه صادر گردیده است.

نیز هنگامی که خبر دستگیری و شایعه محاکمه حضرت امام خمینی قدس سره به گوش ایشان رسید، شدیداً برآشفته و بدون فوت وقت همراه با عده‌ای از اساتید و علمای حوزه همچون حضرات آیات: شیخ مجتبی لنگرانی، شیخ صدرا بادکوبه‌ای، شیخ مرتضی آل یاسین و سید محمد باقر صدر به بیت مرحوم آیت الله العظمی شاهرودی شتافته و همراه ایشان به سوی منزل آیت الله العظمی حکیم در کوفه رفتند. و پس از شور و مشورت بسیار، که تا نیمه‌های شب به درازا کشید در اولین ساعات بامداد، هر يك جداگانه تلگراف شدید اللحنی به ایران مخابره نموده و از ساحت رفیع مرجعیت حضرت امام خمینی حمایت کردند. و هنگامی که وسیله مرحوم آیت الله حاج آقا مصطفی خمینی خبر آمدن حضرت امام به عراق به گوش مرجع فقید رسید، بدون لحظه‌ای درنگ بسیاری از علما و فضلاء حوزه نجف، از جمله حضرات آقایان: شیخ مجتبی لنگرانی، شیخ صدرا بادکوبه‌ای و فرزندش سید جمال‌الدین خوبی و دامادش سید جلال‌الدین فقیه ایمانی را همراه گروهی از طلاب که بالغ بر ده دستگاه اتوبوس می‌شدند به استقبال ایشان فرستادند. روز اول پس از پایان درس به دیدار امام شتافته و روز دوم نیز به ملاقات ایشان آمدند و در پاسخ افرادی که از انگیزه این کار پرسش نمودند، فرمود: «ایشان با دیگران تفاوت می‌کند و لذا دیدن او هم با دیگران باید فرق داشته باشد» و به هنگام بازدید امام از آیت الله فقید هم مجلس با شکوه و مفصلی ترتیب یافته و اطعام گسترده‌ای صورت گرفت.

مخالفت با اسرائیل پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

آیت الله فقید از تسلط مزدوران بیگانه و افراد نامسلمان و وطن فروشان بهایی و یهودی بر مقدرات مملکت و برقراری ارتباط با اسرائیل بسیار نگران و بیمناک بوده و هماره این خطر بزرگ را گوشزد نموده و می‌فرمودند:

... آیا ممکن است يك کشور مسلمان مقدرات خود را به دست چند تن از دشمنان دین و مملکت بسپارد؟ آیا ممکن است علاوه بر جهات معلوم يك کشور كوچك که بر اساس دشمنی با اسلام به وجود آمده است کشور بزرگ ما را منطقه

نفوذ خود قرار دهد؟ ... آیا صلاح است که یکی از عمال آن کشور که سابقاً فرزند يك كليمی دوره گرد بوده است هم اکنون در ردیف رجال مملکت بلکه بزرگترین رجال آن در آید؟ ...^{۵۴}

... آیا شایسته است که در قلب کشور برای بیگانه پایگاه درست کنند و پس از آنکه دوست کوچکی بر شالوده دشمنی با مسلمانان به وجود آوردند، منطقه نفوذ بزرگتری به دست آنها داد؟ آیا بجاست که يك نفر مزدور یهودی به اعلى درجه مقام ثروت برسد و قدرتش به بزرگترین دستگاه تبلیغاتی کشور و اکثر شرکتها که برای مصالح دولت اسرائیل کار می کنند، بسط یابد؟^{۵۵}

و نیز ایشان در همین مورد، مصاحبه مهمی ایراد نمود که در سطحی وسیع در کشورهای عربی منتشر شد و سبب انعکاس مظلومیت ملت ایران و رسوایی شاه در میان مسلمانان جهان گردید.^{۵۶}

نیز ایشان در جریان همه پرسى نظام جمهوری اسلامی - در فروردین ۱۳۵۸، مسلمانان را به شرکت گسترده در آن و رأی دادن به جمهوری اسلامی فرا خواند.

و در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، آن مرجع بزرگ به جواز صرف حقوق شرعیه در خوراک و پوشاک رزمندگان اسلام فتوا داده و بسیاری از مواد دارویی و بهداشتی که از کشورهای حاشیه خلیج فارس برای کمک به رزمندگان اسلام به ایران فرستاده می شد، بیشتر از سوی وکلا و مقلدین ایشان بود.

نیز اکثر جوانان عراقی که خود را در جنگ تسلیم رزمندگان اسلام می نمودند از مقلدین ایشان بودند و حتی در صورت اجبار بنا بر فتوای آن مرجع بزرگ به سوی نیروهای ایرانی شلیک نمی کردند. و مهمترین موضع ایشان در خلال جنگ تحمیلی، عدم توافق با رژیم جنایتکار صدام بود. با اینکه نظام ددمنش و ستم پیشه صدام با تمام امکانات در صدد برآمده بود تا از آیت الله فقیدیک سطر تأیید به نفع خویش

.....
۵۴ - اسناد انقلاب اسلامی، ج ۱، ص ۸۴.

۵۵ - همان، ص ۸۹.

۵۶ - رك: مجله الموسم، ش ، ص ۵۷۵ - ۵۸۰.

و بر علیه نظام جمهوری اسلامی بگیرد و در این راستا از بازداشت^{۵۷}، تبعید، به شهادت رساندن و اعمال فشار به اطرافیان و نزدیکان و شاگردان ایشان استفاده کرد، اما معظم له کوچکترین کلام و کوتاهترین نوشته‌ای را که رژیم بعث بتواند از آن بهره برداری کند صادر نمود و با شجاعت تمام در مقابل اذیت، آزار و فشارهای رژیم صدام ایستادگی کرد.

نقش آیت الله العظمی خویی در قیام شیعیان عراق

به دنبال تهاجم صدام به کویت و حمله همه جانبه کشورهای غربی به عراق و کویت، و پس از تخریب و ویرانی شهرها و کشتار مردم و نابودی منابع نظامی، اقتصادی این کشور و سرکوب و اخراج عراق از کویت بود که مردم به ستوه آمده از ظلم و ستم صدام، در شب نیمه شعبان ۱۴۱۲ق، در کنار مرقد مطهر سالار شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام با مشاهده آیت الله فقید بغضی که سالها گلوگیرشان بوده، ترکید و فریاد تکبیر سردادند و برائت و بیزاری خویش را از نظام حاکم اعلام نمودند.

با قیام مردم کربلا، مردم نجف، کوفه، عماره، حله، ناصریه، بصره و شهرهای دیگر نیز بر علیه رژیم به پا خاستند.

آیت الله خویی با تعیین يك هیئت ۹ نفره، حرکت مردمی را جهت بخشید و با صدور اعلامیه‌ای در ۱۸ شعبان مجاهدین را به رعایت احکام شرعی و عدم تندروی و عمل به موازین اسلامی دعوت نمود.^{۵۸} اما پس از چندی با هجوم وحشیانه رژیم به شهرها و قتل عام بی سابقه و سبعانه ساکنین آنها و سکوت معنی‌دار کشورهای غربی و مجامع جهانی و سازمانهای حقوق بشر و با اهانت و جسارت به عتبات مقدسه و تخریب آنها در

۵۷ - تا آنجا که برجسته‌ترین شاگردش: آیت الله سید محمد باقر صدر و خواهر مظلومه‌اش و ۲۳ تن از خاندان آیت الله حکیم را - که بسیاری از آنان جزء شاگردان ایشان بودند - به شهادت رسانید و پیش از شروع جنگ تحمیلی نزدیک به ۵۵ نفر از بزرگان شاگردانش را در نقاط نامعلومی زندانی نمودند و پس از قیام اخیر شیعیان نیز عده بسیاری از شاگردان ایشان را دستگیر و زندانی نمودند.

۵۸ - رك: العراق بين الماضی والحاضر والمستقبل، ص ۶۹۵.

کربلا و نجف و دستگیری آیت الله خویی، شعله‌های قیام به سردی گرایید.^{۵۹}
گارد جمهوری عراق در سحرگاه چهارشنبه سوم رمضان ۱۴۱۲ از سه جانب به نجف حمله برد و خانه مرجع عالیقدر را محاصره نمود و دهها نفر از کسانی را که برای حفاظت از بیت معظم‌له گرد آمده بودند به خاک و خون کشید و صدها نفر از اعضای بیت مرجع بزرگوار، علمای اعلام، طلاب و فضلا - و از جمله آنها، عده‌ای از خاندان بحرالعلوم، آل خرسان و آل خلخالی - را دستگیر نموده و به زندانها روانه کرد.

پس از این وحشیگریها، آیت الله خویی و عده‌ای از بستگانش را با تهدید و اجبار با هلی‌کوپتر برای دیدار با صدام به بغداد روانه کردند. و از او خواستند تا در صفحه تلویزیون ظاهر شده و از مجاهدین بخواهد تا سلاحهای خویش را بر زمین گذارند و به دستورات رژیم گوش فرا دهند. با اینکه ایشان از قبول این خواسته سر باز زدند اما وسائل تبلیغاتی صدام سخنان مرجع بزرگوار را با تحریف نقل کردند.^{۶۰}

پس از این، مرجع بزرگوار و همراهانشان را در خانه‌ای زندانی نموده و تحت نظر قرار دادند. در پی این اعمال بی‌شرمانه جهان تشیع یکپارچه بر آشفت و فریاد اعتراض سرداد.

مراجع عالیقدر تقلید، رهبر معظم انقلاب، نهادها و سازمانها، شخصیتها و مردم ایران و پاکستان و لبنان و مسلمانان کشورهای دیگر، همه اهانت و جسارت به ساحت قدس حوزه علمیه نجف و مرجعیت عظمای شیعه را محکوم کردند و خواهان آزادی و رفع حصر از مرجع فقید شدند.

اما جنایتکاری مانند صدام به جای آنکه در مقام عذرخواهی برآید و ایشان را محترمانه به حوزه علمیه نجف برگرداند، به کوفه تبعید نمود در آنجا تحت نظر قرار داد و در ملاقات مردم با وی سختگیری نمود. تا سرانجام آن مرجع بزرگ با

.....

۵۹ - رك: همان، ص ۶۹۵ - ۷۴۰.

۶۰ - گزارش خبری «مؤسسه الامام الخویی الخیریة»، رك: العراق الماضی و الحاضر و المستقبل، ص ۷۲۵.

دلی غمگین و قلبی اندوهگین به دیدار پروردگارش شتافت.

هیئت استفتاء

اصحاب جلسه فتوای مرجع فقید عبارت بودند از حضرات آیات:

- ۱- حاج شیخ صدرا باد کوبه‌ای؛ ۲- حاج شیخ مجتبی لنگرانی؛ ۳- شهید سید محمد باقر صدر؛ ۴- حاج میرزا جواد تبریزی؛ ۵- حاج میرزا کاظم تبریزی؛ ۶- حاج سید جعفر مرعشی.

و پس از اخراج ایرانیان از حوزه علمیه نجف، ترکیب هیئت فتوا بر هم خورد و پس از آن نامبردگان ذیل آن جلسه را اداره می‌کردند. حضرات آیات:

- ۱- حاج سید علی سیستانی؛ ۲- حاج سید علی بهشتی؛ ۳- حاج سید مرتضی خلخالی؛ ۴- حاج شیخ محمود فیاض؛ ۵- حاج شیخ علی اصغر احمدی شاهرودی؛ ۶- حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ جعفر نائینی.

فرزندان و دامادها

۱- مرحوم حجت الاسلام و المسلمین حاج سید جمال الدین خویی، وی بازوی توانای پدر و خادمی دلسوز برای حوزه‌های علمیه و شیعیان بود. عالمی ادیب و دانشوری متواضع و مسلط بر زبانهای فارسی و عربی و آشنا به زبانهای ترکی، هندی و انگلیسی بود و به زبان فارسی شعر می‌سرود.

از او تقریرات درس فلسفه بر جای مانده است. او در عید فطر ۱۴۰۴ در اثر بیماری بدروود حیات گفت و بدستور حضرت امام(قده) در حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها به خاک سپرده شد. به دنبال درگذشت ایشان این تلگرام از سوی رهبر فقید انقلاب حضرت امام خمینی قدس سره به والد بزرگوارش مخابره شد:

حضرت آیت الله خوئی دامت برکاته

با تأسف و تأثر، مصیبت وارده بر جنابعالی و فامیل محترم را تسلیت عرض می‌کنم و از خداوند تعالی برای آن مرحوم محترم مغفرت و برای جنابعالی و بازماندگان او صبر جمیل و اجر جزیل مسئلت می‌نمایم و از خداوند تعالی عاجزانه

می‌خواهم که دشمنان اسلام و دشمنان حوزه‌های مقدسه علمیه را به سزای خودشان برساند و در دنیا و آخرت آنان را رو سیاه فرماید و مجد حوزه علمیه مبارکه نجف و سایر اعتبار مقدسه را با نابودی حزب عفلقی بعث عراق خذلهم الله تعالی به حال اول برگرداند و علمای اسلام و ملت شریف عراق را از چنگال صدام و صدامیان نجات مرحمت فرماید و از جنابعالی و سایر علما و فضلاء نجف و اهالی محترم عراق خواهانم که برای پیروزی لشکر اسلام بر فریب خوردگان لشکر کفر عفلقی در تحت قبه‌های نورانی ائمه اطهار علیهم السلام خصوصاً سید الاولیاء علیه سلام الله دعا فرمایید.

والسلام علیکم ورحمة الله

روح الله الموسوی الخمینی، دوم شوال المکرم ۱۴۰۴.

۲ - مرحوم حجت الاسلام آقای حاج سید علی خویی، وی در زمان حیات پدر در اثر تصادف درگذشت.

۳ - حجت الاسلام و المسلمین حاج سید محمد تقی خویی، از او تقریرات درس پدر بزرگوارش به نام مبانی العروة الوثقی در چهار جلد به چاپ رسیده است و هم اینک در نجف به سر می‌برد.

۴ - حجت الاسلام سید عبدالمجید خویی، هم اینک مؤسسات آیت الله فقید در خارج از ایران و عراق با نظارت ایشان اداره می‌شود.
دامادهای ایشان نیز عبارتند از حضرات آیات و حجج اسلام:

۱ - مرحوم حاج سید نصرالله موسوی مستنبط (۱۳۲۷ - ۱۴۰۶ق) وی از شاگردان آیات عظام آقا ضیاء عراقی و محقق اصفهانی و سید ابوالحسن اصفهانی و آمیرزا علی آقای قاضی و مورد علاقه شدید آیت الله فقید بود. هنگام ضرورت به جای مرجع بزرگوار اقامه جماعت نموده و یکی از مدرسان برجسته و مشهور حوزه علمی نجف به شمار می‌رفت. برخی از آثار وی عبارتند از: اجتهاد و تقلید، تقیه، عدالت، قاعده من ادرك، قاعده تجاوز و فراغ و... .

مرجع بزرگوار در رثایش قصیده‌ای عالی و طولانی سرود و بدین گونه اندوه خویش را نمایان ساخت.

۲ - حاج سید جلال الدین فقیه ایمانی

ایشان بر تمام مؤسسات وابسته به آیت الله فقید در ایران اشراف و نظارت دارد و چاپ مجلدات باقیمانده کتاب «جامع احادیث الشیعه» زیر نظر وی ادامه یافته و به خدمات دینی و اجتماعی موفق می‌باشد.

۳- حاج سید مرتضی حکمی

۴- حاج سید محمود حسینی میلانی نوه مرحوم آیت الله میلانی وی هم اینک در زندان رژیم عراق به سر می‌برد.

۵- حاج شیخ جعفر غروی نائینی، نوه مرحوم میرزای نائینی.

مؤسسات خیریه

آیت الله العظمی خویی همواره در جهت رفع نیازمندیهای فرهنگی و دینی، اجتماعی، اقتصادی و... شیعیان گام برداشته و مؤسسات زنجیره‌ای ایشان در گوشه و کنار جهان شاهد صدق این مدعا است. به غیر از احداث و تأسیس صدها مسجد^{۶۱}، مدرسه، حسینیه، کتابخانه، درمانگاه و بیمارستان، دارالایتام در اقصی نقاط کشورهای اسلامی و نیز یاری و همکاری در جهت تکمیل این بناها و اجازه صرف حقوق شرعی به مقلدان خود جهت تأسیس و تکمیل این گونه بناها، مؤسسات بزرگ زنجیره‌ای در برخی از کشورهای جهان که شیعیان بسیاری در آنها سکونت دارند به نام ایشان احداث شده است.

این مؤسسات که ساختمان مرکزی آن در لندن است و به نام «مؤسسه الامام الخویی الخیریه» نامیده می‌شود - شامل قسمتهای مختلف مورد نیاز چون مسجد، حسینیه، چاپخانه، کتابخانه، سالنهای سخنرانی ویژه دختران و پسران، دارالضیافه، دارالایتام، درمانگاه و داروخانه، بازار، غسلخانه، حمام و خانه‌های مسکونی روحانیون و غیره می‌باشد.

این مؤسسات در شهرهای ذیل بنا شده‌اند:

نجف، کوفه، مشهد، قم، اصفهان، بیروت (لبنان)، اسلام آباد،

۶۱ - حجت الاسلام و المسلمین آقای سید محمد موسوی نماینده آیت الله فقید در هندوستان می‌گوید: در هند يك هزار مسجد به فرمان ایشان بنا شده است.

کراچی (پاکستان)، کوآلامهور (مالزی)، بمبئی (هندوستان)، بانکوک (تایلند)،
داکا (بنگلادش)، سوانزی، دیترویت، نیویورک (آمریکا)، تورنتو (کانادا)،
لندن (انگلستان).^{۶۲}

درگذشت

آیت الله العظمی خویی پس از ۹۴ سال زندگی، با برجای نهادن صدها خدمات
بزرگ دینی و دهها آثار جاویدان، با تحمل فشارها و رنجها، دردها و مصیبتها و با
مشاهده کشتار، تبعید، حبس و ایزاء و آزار مردم مسلمان به وسیله رژیم ددمنش و
جنایت پیشه بعث عراق و پس از يك سال دوری از جوار جدّ بزرگوارش
امیرالمؤمنین و تبعید به کوفه، سرانجام فروغ فروزان زندگانی اش در عصر روز
شنبه هشتم صفر ۱۴۱۳ ق ۱۷ مرداد ۱۳۱۷ ش، برای همیشه خاموش شد و
مسلمانان را با اندوهی جانکاه مواجه کرد.

او که در زندگی به سان جدّش حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام به
طاغوت عصر خود مبتلا شده بود، پس از وفات نیز همانند جده مظلومه اش حضرت
زهره سلام الله علیها به خاک سپرده شد.

در نیمه‌های شب با حضور مأموران امنیتی رژیم بعث، پیکر پاکش غریبانه
و مظلومانه و بدون تشییع، پس از نماز توسط حضرت آیت الله حاج سید علی
سیستانی وسیله چند تن از خویشان در مسجد خضراء سر به تیره تراب سپرد.
انتشار این خبر موجب برقراری حکومت نظامی در نجف و کوفه و آماده‌باش
نیروهای نظامی در بغداد، شهرهای مرکزی و جنوبی عراق و منع گردهمایی در این دو شهر
و تفتیش و بازرسی افراد و اتومبیلها شده و مأموران حکومتی در نقاط ورودی این
دو شهر و اطراف صحن حضرت علی علیه السلام و منزل ایشان در کوفه مستقر
شدند و از برگزاری هر گونه مجلس یادبود و گرامی‌داشت از سوی بیت و مقلدین
و وکلای ایشان جلوگیری شد. اما در ایران، از نخستین ساعات بامداد روز نهم

.....

۶۲ - برای آشنایی بیشتر رک: مقاله «مؤسسه الامام الخویی الخیریه، فکرتها و شعارها»، مجله الموسم
ص ۵۵۹ - ۵۶۶.

صفر صدای قرآن از رادیو و مآذنه‌های حسینیه‌ها و مساجد پخش شد و از سوی دولت جمهوری اسلامی سه روز عزای عمومی اعلام شد، و تمام در و دیوار شهرها و روستاها سیاه پوش گردید، و مردم به نوحه خوانی و عزاداری پرداختند.

از سوی رهبر معظم انقلاب، مراجع تقلید و علمای اعلام رؤسای قوای مجریه، مقننه و قضائیه، شخصیتها، نهادها، سازمانها، انجمنهای اسلامی، هیئتهای مذهبی پیامهای تسلیت صادر و مجالس بزرگداشت بسیار برگزار گردید.

همچنین شعرا به مرثیه سرایی و خطبا به سخنرانی در عظمت مقام علمی و عملی مرجع فقید پرداخته و در کشورهای مختلف جهان - از هند و کشمیر و افغان و پاکستان و بنگلادش و کویت و سوریه و لبنان و امارات خلیج فارس گرفته تا آمریکا و کانادا و انگلیس و تایلند، محافل یادبود مختلفی برگزار شد.^{۶۳}

اما او نمرده است. او با این همه خدمات شگرف و آثار جاویدان هرگز نخواهد مرد، که «الْعُلَمَاءُ بَاقُونَ مَا بَقِيَ الدَّهْرُ، أَعْيَانُهُمْ مَفْقُودَةٌ، وَ أَمْثَالُهُمْ فِي الْقُلُوبِ مَوْجُودَةٌ...»^{۶۴}

حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی دامت برکاته در قسمتی از پیام خود فرمودند:

عالم اسلام به طور عموم، و جهان تشیع به طور خصوص در ضایعه بسیار بزرگ و اسفناک و تلمه عظمای جبران ناپذیر ارتحال مرجع عظیم القدر حضرت آیت الله آقای حاج سید ابوالقاسم خوئی قدس سره الشریف غرق سوگ و عزا است.

شخصیتی که متجاوز از نیم قرن خورشیدوار در آسمان عالم اسلام نورافشانی می نمود و در مکتب علم و فقاہت و تربیت او هزاران عالم و مدرس پرورش یافته اند جهان فانی را وداع نمود و به عالم باقی شتافت.

حضرت آیت الله خوئی در عصر حاضر، الحق افتخار دنیای اسلام و جهان

.....
۶۳ - ماده تاریخ فوت ایشان چنین است «أَنَّ ابَالْقَاسِمَ حَيٌّ» = ۱۴۱۳

۶۴ - نهج البلاغه منظوم، ج ۹، ص ۱۷۱، حکمت ۱۴۰.

تشیع و ستاره درخشان علم و فقاہت بودند. آثار ممتاز علمی ایشان در فقه و اصول و رجال و تفسیر همواره مورد استفاده علمای اعلام و حوزه‌های علمیه بوده و خواهد بود، و خدمات گرانبهایشان در تأسیس حوزه‌های علمیه و نشر معارف و احکام اسلام در سراسر جهان مشکور و ارزنده خواهد ماند... .

آیت الله العظمی اراکی مد ظلّه العالی نیز فرمودند:

فقدان اسفناک مرجع عالیقدر اسلام و زعیم حوزه علمیه نجف اشرف حضرت آیت الله العظمی آقای حاج سید ابوالقاسم خویی قدس سره که حصین برای عالم اسلام بود حقاً ثلمه‌ای جبران ناپذیر است.

فقیهی که سالهای پربرکت عمرش را در راه اعتلای کلمه اسلام و تبیین فقه متعالی تشیع و تکفل ایتم آل محمد علیهم السلام به پایان برد. آثار گرانبهای علمی این رادمرد بزرگ علم و تقوا در فنون مختلف اسلامی رهگشای معضلات و مسایل غامض علوم بخصوص فقه و اصول است.

در سالهای اخیر و حوادث خونبار عراق همچون اجداد طاهرینش از طاغوت زمان و حزب بعث کافر چه رنجها کشید و چه خون دلها خورد و همچنان استقامت نمود و به پاسداری از حریم تشیع و حوزه نجف اشرف ادامه داد و در حد توان مبارزه نمود.

و رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت الله خامنه‌ای ادام الله ظلّه الشریف در پیام تسلیت خویش فرمودند:

بسم الله الرحمن الرحيم

إنا لله وإنا إليه راجعون

با تأسف و تأثر فراوان با خبر شدیم که عالم جلیل القدر و فقیه عظیم الشأن حضرت آیت الله العظمی آقای حاج سید ابوالقاسم خونی مرجع تقلید بزرگوار، روز گذشته دار فانی را وداع گفته و به جوار رحمت حق رحلت نمودند.

این حادثه برای جهان اسلام مخصوصاً حوزه‌های علمیه مصیبتی بزرگ است. آن عالم بزرگ، بقیه سلف صالح و یکی از پرچمداران علوم اسلامی و یکی از مراجع بزرگ تقلید دوران معاصر بود. ایشان در بسیاری از علوم اسلامی رایج

در حوزه‌های علمیه از اساتید مسلم و کم نظیر به حساب می‌آید. فقیهی بزرگ و اصولی‌ای عمیق و مفسری نوآور و رجالی‌ای صاحب مکتب و متکلمی زبردست بود.

آثار علمی ارزشمند این مرد بزرگ به دهها جلد کتاب در فقه و اصول و تفسیر و رجال منحصر نمی‌شود. هزاران شاگرد تربیت یافته در حوزه دروس غنی و سرشار او هم اکنون در همه بلاد اسلامی منتشرند.

این بزرگوار یکی از نخستین کسانی بود که پس از شروع نهضت اسلامی به رهبری امام خمینی رضوان الله تعالی علیه حوزه علمیه نجف را به اهمیت حوادث ایران متوجه ساخت و سعی و کوششی ارجمند در همراهی با حرکت عظیم روحانیت و مردم در ایران مبذول کرد. در نهضت خونین مردم عراق در رمضان سال ۱۴۱۲ هجری قمری قطب اصلی نهضت و مرکز صدور حکم قیام اسلامی بود و به همین جهت پس از سرکوب شدن این نهضت به وسیله رژیم خونخوار بعثی این کهن‌مرد دانشمند مورد آزار و شکنجه و اهانت مأموران سنگدل بعثی قرار گرفت و در معرض خطر جدی واقع شد و پس از آن که به فضل الهی از خطر نجات یافت تا مدتها در شرایط سخت زیر نظر مأموران بعثی قرار داشت.

عمر طولانی و پربرکت این مرد بزرگ که نزدیک به یک قرن امتداد یافت، سرشار از آزمایشهای الهی و نمایشگر سعی و تلاش یک انسان مؤمن و پرهیزگار است.

این جانب مصیبت درگذشت این مرجع بزرگوار تقلید را به حضرت بقیة الله الاعظم ارواحنا له الفداه و جهان تشیع مخصوصاً حوزه‌های علمیه و علما و فقهای بزرگ و نیز به خانواده محترم و فرزندان ایشان و همه دوستداران و مقلدین ایشان تسلیت می‌گوییم و رحمت و فضل و مغفرت الهی را برای ایشان مسئلت می‌نمایم.
یکشنبه نهم صفر ۱۴۱۳ هجری قمری سید علی خامنه‌ای

مصادر

در این مقاله علاوه بر گفتار استاد علامه سید عبدالعزیز طباطبائی و علامه بزرگوار

جناب آقای فقیه ایمانی، از کتابهای ذیل نیز استفاده شد:

آثار الحجه، محمد شریف رازی، قم، ۱۳۳۰ ش، ج ۲.

اسناد انقلاب اسلامی، مقدمه: سیدحمید روحانی، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۰ ش، ج ۱.

البيان فی تفسیر القرآن - مقدمه: سید مرتضی حکمی، چاپ دوم، قم.

دلیل معجم رجال الحديث مقدمه: محمد سعید طریحی، بیروت.

الذریعه الی تصانیف الشیعه، شیخ آقا بزرگ تهرانی.

العراق بین الماضی و الحاضر و المستقبل، تهیه و تنظیم: موسسه الدراسات الاسلامیه، بیروت،

۱۴۱۲ ق.

لواء الصدر هفته نامه مؤسسه شهید صدر، ش ۵۴۷، سال ۱۳۷۱.

مجله حوزه نشریه دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ش ۳۰، سال ۱۳۶۷ ش.

مجله الموسم زیر نظر: محمد سعید طریحی، ش ۶، ۱۴۱۰ ق، بیروت.

مجله النور نشریه مؤسسه الامام الخویی، لندن، ش ۱۶.

معجم رجال الحديث، آیت الله سید ابوالقاسم خویی، ج ۲۲، بیروت.

نقباء البشر فی القرن الرابع بعد العشر، شیخ آقا بزرگ تهرانی، مشهد، نشر مرتضی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
تذکر

در شماره ۴۶ مجله، مقاله نجوم امت، ص ۶۰ و ۶۱ مطالبی از حضرات
آقایان کریمی جهرمی و ناصرالدین انصاری نقل شده است، ضمن
پوزش از نویسنده محترم باستحضار خوانندگان عزیز می‌رساند که این
نقل قولها توسط دفتر مجله اضافه شده است.